

زیارت

از نگاه دیگر

ابراهیم امینی



فهرست

مقدمه	۷
دیباچه	۹
زیارت در اسلام	۱۱
آیات حج	۱۲
چند نکته مهم	۱۲
حج بیت الله الحرام، احکام و آثار آن	۱۷
منافع حج	۱۹
اعمال و مناسک حج	۲۳
آداب باطنی و روحانی مناسک حج	۲۶
توضیح بیشتری از امام صادق <small>علیه السلام</small>	۳۰
حج مقبول از دیدگاه امام زین العابدین <small>علیه السلام</small>	۳۶
زیارت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> و امامان معصوم <small>علیهم السلام</small>	۴۷
گفتارهایی درباره احادیث زیارت	۵۴
حقوق امامان معصوم <small>علیهم السلام</small>	۵۷
سخنی کوتاه درباره حقوق پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>	۵۹

۶۲.....	وظایف پیروان امام <small>علیه السلام</small>
۶۴.....	جمع بندی
۶۷.....	حال عبادت، یکی از برکات زیارت
۶۸.....	زیارتنامه ها
۷۰.....	توجه به معانی زیارتنامه ها
۷۳.....	عمل امام به احکام در زیارتنامه ها
۷۷.....	زیارتنامه ها از جهت سند
۷۸.....	زیارتگاه های مورد احترام شیعیان
۷۹.....	زیارت امامزاده ها
۸۳.....	کتابنامه

مقدمه

زیارت در فرهنگ تشیع جایگاهی رفیع و والا دارد. زائر در زیارت از یکسو به خدا نزدیک می‌شود... مُتَقَرِّبًا إِلَى اللَّهِ... و از سویی با پیشوایان و الگوهای الهی آشنا می‌گردد: عَارِفًا بِحَقِّهِ... مُعْتَقِدًا لِفَرَضِ طَاعَتِهِ. و از سوی دیگر با الهام‌گیری از اخلاق و رفتار و منش آنان خود را برای یک تغییر و تحول اساسی آماده می‌سازد تا هنگام بازگشت به گونه‌ای دیگر زندگی کند و اسلام را در تمام مراحل حیات و زندگی خود پیاده و مجسم سازد.

امروزه متأسفانه به دلیل برخی برداشت‌های غلط، زیارت مفهوم حقیقی و واقعی خود را تا حدودی از دست داده است، تعدادی از زائران فقط با نگاه حاجت‌خواهی و حاجت‌گیری به مشاهده مشرفه می‌روند با این تصور که گرفتاری‌های زندگی خود را از طریق امام و پیشوای معصوم حل کنند؛ هر چند واسطه قراردادن معصومین نزد خداوند امری پسندیده است لیکن متون ارزشمند زیارت‌نامه‌ها به ما می‌آموزد که فلسفه اصلی زیارت چیز دیگری است.

ما در زمان حیات پیشوایانمان حضور نداشته‌ایم، هم‌اکنون نیز امام زمان علیه السلام در پرده غیبت به سر می‌برند، در چنین شرایطی خلأ ارتباط با پیشوایان را از طریق زیارت می‌توان پر کرد.

زائر با آداب خاصی به زیارت می‌آید، در کنار قبور پیشوایان قرار می‌گیرد و باورهای خود را بازگو می‌کند.

السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَ مَوْضِعِ الرَّسَالَةِ وَمَهْبِطِ
الْوَحْيِ... سَاسَةَ الْعِبَادِ... و سپس با پیشوایان خود بیعت
می‌کند: مُحَمَّدٌ لِمَا حَقَّقْتُمْ، مُبْطِلٌ لِمَا أَبْطَلْتُمْ، مُطِيعٌ لَكُمْ، سَلِمٌ لِمَنْ
سَأَلْتُمْ، وَحَزْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ.

اهمیت زیارت آنگاه بیشتر روشن می‌شود که زائر پس از زیارت با توبه به درگاه پروردگار از گذشته غلط خود فاصله می‌گیرد و با رویکردی جدید به زندگی و به دور از آلودگی به وطن بازمی‌گردد تا شرایط جدیدی را بر زندگی خود و شعاع پیرامونی آن حاکم سازد.

محقق بزرگ، اندیشمند فرزانه و مجاهد نستوه حضرت آیت الله ابراهیم امینی (دامت توفیقاته) زیارت را از این نگاه مورد بررسی قرار داده‌اند که می‌توان آن را نگاهی حقیقی و واقعی به زیارت دانست.

امید آنکه برای خوانندگان سودمند و مؤثر واقع گردد.

سیدعلی قاضی عسکر

نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت

و سرپرست حجاج ایرانی

دیباچه

حج و زیارت، نشانه‌ای از رجعت به سوی خداست. حج و زیارت در یک نگرش کلی، سیر وجودی انسان به سوی خدا و نمایش رمزگونه تجسم عینی فلسفه خلقت بنی آدم است.

حج و زیارت اولیا، عبادتی است که تمام عبادت‌ها را در بر می‌گیرد. در حج و زیارت، نماز، استغفار و توبه معنا پیدا می‌کند. فلسفه اشک، در زیارت نمودار می‌شود. رازو نیاز با خدا و نجوا و همنشینی با او در کنار خانه‌اش و در خانه‌هایی که خداوند اجازه داده است تا نام او یاد شود^۱، به اوج می‌رسد و زائر چون ستاره‌ای درخشان در آسمان تاریکی‌ها می‌درخشد و نامش در دفتر مهمانان خدا و رسول خدا ﷺ و خاندان پاک و مطهرش ثبت می‌شود.

۱. ﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾

حج و زیارت، راز و رمزی دارد که آشنایی و عمل به آنها دنیایی از معرفت را فراروی سالک می‌گشاید و او را به قرب الهی پرواز می‌دهد. بعضی از این راز و رمزها در سخنان و رفتار عالمان، عارفان و بزرگان سیر و سلوک، نمود پیدا کرده است که دل‌های آماده مشتاقان عرفان و اخلاق را صفا می‌بخشد.

اثر پیش‌رو، با عنوان «زیارت از نگاهی دیگر» تألیف عالم فرزانه، حضرت آیت‌الله ابراهیم امینی است که بخشی از آداب، شرایط و ظرافت‌های حج و زیارت معصومین علیهم‌السلام را بررسی کرده است.

ضمن تشکر از ایشان، امیدواریم خوانندگان محترم، به‌ویژه زائران بیت الله الحرام و قبور ائمه معصوم علیهم‌السلام پس از مطالعه این اثر، با شناخت و آگاهی بیشتری به زیارت مشرف شوند.

انه ولی التوفیق

زیارت در اسلام

زیارت به معنای دیدار به قصد اکرام و احترام است و در اصطلاح شریعت، عبارت است از دیدار با برخی اشخاص برگزیده و محترم یا برخی مکان‌های مقدس که در شرع به زیارت آنها سفارش شده است. لذا نوعی عبادت است که پاداش‌های اخروی و دنیوی نیز برای آن مقرر شده است؛ مانند زیارت بیت الله الحرام، کعبه مشرفه، زیارت پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام در زمان حیات و مقابر مقدس آنها در زمان ممات.

در رأس همه زیارت‌ها، زیارت بیت الله الحرام، آداب مخصوص دارد و حج یا عمره مفرده نامیده می‌شود. مسلمانان در تشریح این زیارت، با یکدیگر هم عقیده هستند و صریح آیات قرآن نیز به آن دلالت دارد. در ابتدا به برخی آیات قرآن کریم اشاره می‌کنیم:

آیات حج

در قرآن کریم آمده است:

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ (آل عمران: ۹۶ و ۹۷)

بی گمان اولین خانه‌ای [که برای عبادت] بنا شده، همان است که در بکّه (مکه) است، مبارک و برای جهانیان، وسیله هدایت می‌باشد. در این بیت، نشانه‌های روشنی [چون] مقام ابراهیم وجود دارد. هرکس داخل آن شود در امان است. حج بیت الله برای کسانی که استطاعت دارند واجب می‌باشد و هرکس در این رابطه کفر بورزد، خدا از جهانیان بی‌نیاز است.

چند نکته مهم

در آیه شریفه به چند نکته مهم اشاره شده که به طور کوتاه به آنها اشاره می‌کنیم:

۱. کعبه در مقام اولین بیت (خانه) برای عبادت بندگان معرفی شده است و جهانیان از سراسر جهان برای عبادت خدای متعال، رهسپار آن خواهند شد.

۲. کعبه به عنوان بیت خدا معرفی شده است، با اینکه خدای متعال، خانه ندارد و همه جهان، ملک خداست. این نام‌گذاری به دلیل «تشریف» است.

۳. این بیت برای مسلمانان، مبارک است و منافع فراوان دنیوی و اخروی در بردارد؛ چنان‌که مشاهده می‌کنیم، مسلمانان از سراسر جهان به قصد حج به سوی آن می‌شتابند و اسباب عمران و آبادی آن فراهم می‌شود.

۴. بیت الله الحرام، پایگاهی است برای هدایت جهانیان تا به منظور به جای آوردن حج و عبادت، به سوی آن رهسپار شوند و با عبادت و انجام مراسم حج و سیر و سلوک و انقطاع الی الله، به مراتبی از قرب الهی و کمالات نفسانی، نایل گردند.

۵. حضور دسته‌جمعی مسلمانان کشورهای جهان در مراسم حج با زبان‌ها و رنگ‌های مختلف، می‌تواند موجب وحدت امت اسلام شود. البته در صورتی که مسلمانان از این فرصت، به خوبی استفاده کنند.

۶. در این بیت، نشانه‌های روشنی وجود دارد؛ برای مثال مقام ابراهیم که اثر جای پای آن حضرت است، یادگاری است که از ایشان باقی مانده است.

۷. هرکس در این بیت وارد شود، در امان خواهد بود.

۸. خداوند فرمود: «هرکس که استطاعت مالی و بدنی دارد، زیارت بیت الله (انجام مراسم حج) بر او واجب است».

۹. در پایان آیه نیز فرمود: «هرکس که در انجام مراسم حج کفر بورزد، باید بداند که خدا از جهانیان بی‌نیاز است». تمامی این مزیت‌ها و برکت‌ها برای کعبه معظمه و مکه شریفه، در اثر تقاضای حضرت ابراهیم علیه السلام از پروردگارش بود؛ چنان‌که در قرآن آمده است:

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ * رَبِّ إِنَّهُمْ أَضَلُّنَ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ (ابراهیم: ۳۵ و ۳۶)

آن‌گاه که ابراهیم گفت: پروردگارا! این شهر را امن گردان و من و فرزندانم را از پرستش بت‌ها دور کن. پروردگارا! بت‌ها بسیاری از مردم را گمراه کرده‌اند، پس هرکس از من پیروی کند، از من می‌باشد و هر کس با من عصیان بورزد، پس تو بخشنده و مهربان هستی.

همچنین در ادامه عرض کرد:

﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْتِدَةً مِّنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ﴾ (ابراهیم: ۳۷)

پروردگارا! من برخی از فرزندانم را در این دره کشت‌ناپذیر، نزدیک خانه محترم تو جای دادم تا

نماز را بر پا دارند. پس دلهای مردم را به سوی آنان متمایل کن و از انواع میوه‌ها و نعمت‌ها بهره‌مند گردان؛ شاید سپاسگزار باشند.

در آیات پیش گفته، حضرت ابراهیم علیه السلام، آن پیامبر برگزیده الهی، از خداوند سبحان تقاضا می‌کند که مکه را شهری امن قرار دهد تا مسلمانان از سراسر جهان به قصد زیارت و انجام مراسم حج به سوی آن حرکت کنند و پایگاه نیرومندی برای گسترش توحید و مبارزه با شرک و پرستش خدای یگانه باشد. به همین منظور، کعبه مشرفه، یگانه قبله مشترک مسلمانان جهان شناخته می‌شود و هر روز، چندین مرتبه به سویش نماز می‌گزارند. انسان‌ها را به هنگام مرگ به سوی قبله قرار می‌دهند و مردگان را در قبر به سوی قبله دفن می‌کنند، قربانی‌ها و ذبح حیوانات را با ذکر بسم الله به سوی قبله انجام می‌دهند. به احترام کعبه، بول و غایط (اجابت مزاج) به سوی آن حرام شده است.

حج بیت الله الحرام، احکام و آثار آن

تنها زیارتی که در شرایط خاص بر هر مسلمانی واجب می‌شود، حج بیت الله الحرام است. هر مسلمانی که برای انجام مراسم حج، استطاعت مالی و بدنی داشته و مانع دیگری نیز نداشته باشد، در طول عمر یک مرتبه حج بر او واجب می‌شود؛ چنان‌که در آیات و روایات، فراوان به این مسئله اشاره شده است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾؛ «انجام حج بیت الله، بر کسانی که استطاعت دارند واجب است». (آل عمران: ۹۷)

خداوند در آیه دیگری می‌فرماید: ﴿وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ﴾؛ «حج و عمره خود را برای خدا به اتمام رسانید». (بقره: ۱۹۶)

در احادیث فراوانی نیز بر وجوب حج تأکید شده است؛ برای نمونه، امام صادق علیه السلام ذیل تفسیر ﴿وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَ

الْعُمْرَةَ لِلَّهِ^۱ و ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا^۲؛ فرمودند: «دین اسلام برپاست، مادامی که کعبه برپا باشد».^۳

ابوبصیر می گوید از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

هرکس بمیرد در حالی که بدنش سالم و استطاعت حج داشته باشد، ولی [بدون عذر] حج واجبش را انجام ندهد، از کسانی است که خدای عزوجل فرموده: ﴿وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾. ابوبصیر می گوید: «عرض کردم، سبحان الله اعمی!» امام فرمود: «آری! خدا او را از طریق حق نابینا کرده است».^۴

امام صادق علیه السلام فرمود:

هر مسلمانی که استطاعت مالی و قدرت بدنی برای انجام مراسم حج داشته باشد و عذر موجهی هم

۱. وسائل الشیعة، حر عاملی، ج ۱۱، ص ۷: «عن ابي عبدالله علیه السلام في قول الله عزوجل: ﴿وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ﴾ قال: هما مفروضان».

۲. وسائل الشیعة، حر عاملی، ج ۱۱، ص ۷: «عمر بن اذینه قال: كتبت الى ابي عبدالله علیه السلام وسئلته عن قول الله عزوجل: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ فجاء الجواب باملائه: يعني بها الحج والعمرة جميعا. لانها مفروضان».

۳. همان، ص ۲۱: «عن ابي عبدالله علیه السلام قال: لا يزال الدين قائماً ما قامت الكعبة».

۴. همان، ص ۲۷: «ابوبصير قال: سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول: من مات وهو صحيح موسر فهو ممن قال الله عزوجل ﴿وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾ قال: قلت: سبحان الله اعمی؟! قال نعم! ان الله عزوجل اعماه عن طريق الحق».

نداشته باشد، ولی آن را انجام ندهد، یکی از واجبات شرعی را ترک کرده است.^۱

پیامبر اعظم ﷺ به حضرت علی رضی الله عنه فرمود: «هر کس حج واجب خود را تأخیر بیندازد تا مرگش فرا رسد، در قیامت، یهودی یا نصرانی مبعوث خواهد شد».^۲

منافع حج

سفر حج برای حاجیان، بلکه برای مسلمانان جهان منافی در بر دارد که در قرآن کریم بدانها اشاره شده است؛ خدای متعال به حضرت ابراهیم رضی الله عنه فرمود:

در میان مردم به حج بانگ بردار تا پیاده و سواره و بر هر شتر لاغری که سوارند و از راه‌های دور، نزد تو آیند تا منافی را که برایشان دارد، از نزدیک ببینند و خداوند را در روزهای معین یاد کنند که از چارپایان [ذبح‌شده] روزیشان داده است. پس از آنها بخورید و به مستمندان بخورانید.^۳

آن‌گاه باید آرایش‌هایشان را بزدايند و به نذرهای

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۲۶؛ «عن ابي عبد الله رضی الله عنه قال: اذا قدر الرجل علی ما یحج به ثم دفع ذلك و لیس له شغل یعذره به فقد ترك شریعة من شرایع الاسلام».

۲. همان، ص ۳۲؛ «عن النبي ﷺ و قال لعلي رضی الله عنه: يا علي! من سوف الحج حتى يموت بعثه الله يوم القيامة يهودياً او نصرانياً».

۳. «وَ اذْنٌ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَّ عَلٰی كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ * لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَّ يُذَكِّرُوا اسْمَ اللّٰهِ فِيْ اَيَّامٍ مَّعْلُوْمَاتٍ عَلٰی مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْاَنْعَامِ فَكُلُوْا مِنْهَا وَّ اطْعَمُوْا الْبَائِسَ الْفَقِيْرَ» (حج: ۲۷ - ۲۸)

خود وفا کنند و در اطراف بیت عتیق (کعبه) طواف نمایند.^۱

چنین است هرکس که شعائر الهی را بزرگ بشمارد، بهتر است برای او. همه چارپایان بر شما حلال هستند، جز آنچه [حرمت] آنها بر شما گفته خواهد شد. پس از پلیدی بت‌ها پرهیز کنید و از گفتار باطل، اجتناب نمایید.^۲

از آیات پیش‌گفته استفاده می‌شود که حضرت ابراهیم علیه السلام، آن پیامبر بت‌شکن، از سوی خدا مأمور شد تا مردم جهان را به حج و زیارت بیت الله دعوت کند تا مردم در آن اجتماع عظیم، منافع خود را مشاهده کنند. منافع حج را در امور ذیل می‌توان خلاصه کرد:

۱. پایگاه توحید و مبارزه با شرک: کعبه در مقام پایگاهی برای توحید و مبارزه با شرک معرفی شده و مسلمانان وظیفه دارند با شرکت در مراسم حج، این مرکز توحید و مبارزه با شرک را همواره تقویت کنند. در همین راستا کعبه، یگانه قبله مسلمانان شناخته می‌شود و از احترام ویژه‌ای برخوردار است. بیماران را در حال احتضار

۱. ﴿ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُؤْتُوا نُذُورَهُمْ وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾ (حج: ۲۹)
 ۲. ﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعِظْ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ حَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأَجَلْتُ لَكُمْ الْأَنْعَامَ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾ (حج: ۳۰)

به سوی قبله می‌کشند، مردگان را در قبر به سوی قبله دفن می‌کنند، حیوانات را به سوی قبله ذبح می‌نمایند و

از زمان حضرت ابراهیم علیه السلام، کعبه معظمه در مقام یگانه مرکز توحید و مبارزه با شرک شناخته شده و تقیامت همچنان باقی خواهد ماند. چه افتخاری بالاتر و چه نفعی عظیم‌تر از این؟

۲. خودسازی: خودسازی و پرورش نفس، مهم‌ترین دستاورد حج است. زیارت بیت الله و انجام مراسم حج، یکی از بزرگ‌ترین و جامع‌ترین عبادت‌هاست. حاجی در این سفر روحانی و معنوی، با توجه کامل به خدا و ترکیه و تهذیب نفس، از ارتکاب همه گناهان و اخلاق زشت دست می‌شویید و در راه پرورش اخلاق نیک در حصول تقوا و دگرگونی نفس خویش قدم برمی‌دارد.

۳. منافع سیاسی: شخصیت‌های سیاسی و دولتمردان کشورهای اسلامی نیز در مراسم حج شرکت می‌کنند. بنابراین آنان می‌توانند در حاشیه مراسم حج، گردهمایی‌ها و کنفرانس‌هایی داشته باشند، از مشکلات سیاسی و اداری کشورها آگاه شوند، در حل آنها تبادل نظر کنند و در صورت امکان، اقدامات لازم را انجام دهند. این موضوع اگر درست انجام شود، موجب تحکیم وحدت امت اسلامی می‌گردد و از بزرگ‌ترین منافع سفر حج خواهد بود.

۴. منافع اقتصادی: بازرگانان و مسئولان امور اقتصادی

کشورها نیز در مراسم حج شرکت دارند. در نتیجه آنان نیز می‌توانند در حاشیه مراسم حج، نشست‌هایی داشته باشند، از امکانات و مشکلات کشورهای اسلامی آگاه شوند، در حل مشکلات اقتصادی به یکدیگر کمک کنند، از موفقیت‌های یکدیگر درس بگیرند و پس از بازگشت به وطن، آنها را پیگیری کنند. آنان همچنین می‌توانند در حل مشکلات اقتصادی کشورهای فقیر نیز بیندیشند و در حد توان به آنها کمک کنند.

۵. منافع فرهنگی: دانشمندان، فرهنگیان و علمای دینی

نیز در مراسم حج شرکت دارند. از این رو می‌توانند در حاشیه مراسم حج، گردهمایی‌ها و نشست‌هایی داشته باشند، از مشکلات فرهنگی کشورها، کمبودها و نیازهای آنان آگاه شوند و در حل مشکلات عقیدتی و اخلاقی و مبارزه جدی با تهاجم فرهنگی دشمنان اسلام کوشش نمایند. برای حل چنین مشکلاتی در جهان اسلام، چه جایی مناسب‌تر از گردهمایی مراسم حج وجود دارد؟

۶. تعظیم شعائرالله: حضور گسترده و انبوه مسلمانان

جهان، با زبان‌ها، رنگ‌ها و قیافه‌های گوناگون، با لباس‌های ساده و یکرنگ، با طواف منظم به دور کعبه، سعی بین صفا و مروه و مراسم قربانی، یکی از بزرگ‌ترین شعائر اسلامی است که موجب رعب دشمنان و دلگرمی مسلمانان خواهد بود. تعظیم شعائر الهی، از نشانه‌های تقوا

به شمار آمده و قرآن کریم، نیز این مسئله را ستایش کرده است: ﴿وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾؛ «و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دل‌هاست». (حج: ۳۲)

اعمال و مناسک حج

حج در اسلام، یکی از بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین عبادت‌هاست که از اعمال مختلف و گوناگونی ترکیب شده است. در واقع این اعمال، عمل واحدی به حساب می‌آیند که حج نامیده می‌شود. برخی از این اعمال از واجبات هستند که حاجی باید حتماً آنها را انجام دهد و برخی دیگر از مستحبات‌اند که انجام آنها موجب کسب ثواب بیشتر می‌شود و ترک آنها ضرری به اصل حج وارد نمی‌سازد. حاجی در ایام حج، وظیفه دارد از انجام برخی کارها اجتناب کند که محرمات نامیده می‌شوند. همچنین باید از انجام برخی کارهای مکروه نیز بپرهیزد؛ چراکه انجام آنها موجب نقصان ارزش حج می‌شود، ولی به اصل صحت حج، لطمه‌ای وارد نمی‌سازد.

صورت حج تمتع: حج تمتع، مرکب از دو عمل است:

یکی عمره تمتع و دیگری حج تمتع. عمره تمتع، مقدم بر حج است.

عمره تمتع، خود مرکب از پنج جزء است که

عبارت‌اند از:

اول: احرام بستن در یکی از میقات‌ها با نیت، قصد قربت و تلبیه‌گویان.

دوم: هفت دور طواف اطراف کعبه.

سوم: دو رکعت نماز طواف در پشت مقام ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام.

چهارم: هفت مرتبه سعی بین کوه صفا و مروه.

پنجم: تقصیر؛ یعنی گرفتن مقداری از مو یا ناخن.

هنگامی که مُحَرَّم از این اعمال فارغ شد، آنچه بر او به واسطه احرام، حرام شده بود، حلال می‌شود.

حج تمتع، مرکب از سیزده عمل است:

اول: احرام بستن در مکه با قصد قربت، نیت و تلبیه.

دوم: وقوف به عرفات در روز نهم.

سوم: حرکت به سوی مشعر الحرام در شب دهم.

چهارم: حرکت به سوی منا در روز دهم و انداختن

هفت سنگریزه به جَمَرَه عقیبی در منا.

پنجم: قربانی کردن در منا.

ششم: تراشیدن سر یا تقصیر کردن (کوتاه کردن مو)

در منا.

هفتم: طواف زیارت در مکه.

هشتم: خواندن دو رکعت نماز طواف، پشت مقام

ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام.

نهم: هفت مرتبه سعی بین صفا و مروه.

دهم: انجام طواف نساء.

یازدهم: خواندن دو رکعت نماز طواف نساء در پشت

مقام ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام.

دوازدهم: توقف به منا در شب یازدهم و دوازدهم

برای همه، و شب سیزدهم برای بعضی از افراد.

سیزدهم: رمی جمرات سه گانه در روز یازدهم و

دوازدهم برای همه. اشخاصی که شب سیزدهم را در منا

مانده اند، باید روز سیزدهم نیز جمرات سه گانه را رمی

کنند.

آنچه به طور کوتاه بدانها اشاره شد، عناوین کلی

اعمالی بود که حاجیان وظیفه دارند در ایام حج انجام

دهند. تفصیل آنها در رساله های عملیه و مناسک حج آمده

است که حاجیان وظیفه دارند قبل از شروع اعمال حج،

هر چند به صورت کوتاه آنها را بیاموزند تا مبدا در اثر

ندانستن مسئله، اعمالشان با مشکل مواجه شود.

خوشبختانه روحانیون محترم کاروانها، قبل از شروع

مراسم در طول جلسات متعدد، به آموزش مسائل مربوطه

می پردازند و به هنگام مراسم نیز، مراقب اعمال حاجیان

هستند.

به حاجیان توصیه می کنم کوشش کنند در کلاس های

مذکور حضور جدی داشته باشند و از این فرصت جداً

استفاده کنند. به روحانیون محترم کاروانها نیز توصیه

می‌کنم، آشنا کردن حاجیان به مسائل لازم را از وظایف شرعی خود بدانند و با دلسوزی، جدیت و مهربانی در آموزش دادن و مراقبت از اعمال حاجیان تلاش کنند تا از پاداش الهی بهره‌مند شوند.

آنچه تاکنون بدانها اشاره شد، به اعمال صوری حج مربوط است که رعایت آنها در صحت اعمال و رفع تکلیف و مجزی بودن آنها ضرورت دارد. ولی از روایات استفاده می‌شود که حج، مانند سایر عبادات، علاوه بر این صورت ظاهر، باطنی نیز دارد که حاجی برای وصول به مزایای آن و مقبولیت نزد خدا، باید آنها را نیز رعایت کند. در ادامه به طور خلاصه به برخی از موارد باطنی حج اشاره می‌کنیم.

آداب باطنی و روحانی مناسک حج

چنان‌که مناسک صوری حج، آداب و احکامی دارد که رعایت آنها، شرط صحت فقهی و شرعی حج است، آدابی هم دارد که رعایت آنها در تکامل نفسانی و تقرب به سوی خدای متعال و قبول واقعی حج، ضرورت دارد که اشاره بدانها می‌تواند برای کسانی که عازم سفر حج هستند، مفید باشد:

۱. اموالی را که حاجی می‌خواهد در این سفر خرج کند، باید حلال باشد. با پولی که از راه حرام کسب شده

باشد، نمی توان حج مقبول داشت. اگر حاجی به فرد یا افرادی بدهکار است، باید قبل از سفر، دین خود را ادا کند یا از طلبکاران اجازه تأخیر بگیرد و چنانچه حق الله به گردن دارد، مانند زکات واجب یا خمس، باید آنها را ادا کند یا از مراجع تقلید اجازه بگیرد.

اگر نسبت به کسی ظلم و اذیت کرده است، به هر طریق ممکن، آنها را راضی کند. اگر نسبت به خانواده و فرزندان ستمی کرده، حلالیت بطلبد. اگر از کسی غیبت کرده، به هر طریق ممکن از او کسب رضایت نماید. اگر از راه حرام اموالی را کسب کرده، با نظرخواهی از یک عالم دینی، راه حلی برای جبران آن پیدا کند و اموالش را پاک و ذمه اش را بری سازد، وگرنه حش قبول نخواهد شد؛ چنان که از ائمه اطهار علیهم السلام آمده است که فرمودند: «هر کس با مال حرام به حج برود، به هنگام تلبیه به او گفته می شود: بنده من لایبک و لاسعدیک!»^۱

۲. اگر قرائت نمازش درست نیست، سعی کند قبل از سفر، نمازش را خوب یاد بگیرد. وگرنه در موقع اعمال حج، مشکل پیدا می کند؛ چون در آن ایام یاد گرفتن مسائل مربوط به نماز و قرائت، برایش دشوار خواهد بود.

۳. قبل از رفتن به حج، حتماً وصیت کند و وصیتنامه اش

را نزد شخصی امین به امانت بگذارد. انسان همیشه باید آماده مرگ باشد؛ به ویژه در سفری طولانی و پرخطر.

۴. حاجی از آغاز سفر حج باید بدین نکته مهم توجه داشته باشد که به سوی خدا می‌رود. پس هدفش باید اصلاح زشتی‌ها، ترک گناه و بداخلاقی‌ها و تمرین خوش اخلاقی و احسان و نیکوکاری باشد. باید از زمان شروع سفر یا حتی قبل از آن، تصمیم جدی بگیرد که تمرین‌ها را شروع کند تا رفتار و اخلاقش با همسفرانش و زائران سایر بلاد، اسلامی باشد. زائر حج باید همه مسلمانان را برادر دینی خود بداند و با چشم برادری به آنان نگاه کند؛ مقدسات همه را محترم بشمارد و از توهین به دیگران اجتناب نماید.

امام باقر علیه السلام در آداب حج فرمود:

کسی که سه خصلت در او نباشد، آماده سفر حج نشده است: صفت پرهیزگاری که او را از معصیت خدا باز دارد، حلمی که به وسیله آن خشمش را کنترل کند و حسن معاشرت با همسفرانش.^۱

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

هنگامی که احرام بستی، تقوا و پرهیز از گناه را

۱. میزان الحکمه، محمدی ری شهری، ج ۲، ص ۲۷۲: «الامام الباقر علیه السلام قال: ما یعبأ بمن یؤمّ هذا البیت اذا لم یکن فیہ ثلاث خصال: ورع یحجزه عن معاصی الله و حلم یملک به غضبه و حسن الصحابة لمن صحبه».

رعایت کن، ذکر خدا را بسیار تکرار کن و کم سخن بگو، مگر در امور خیر؛ چون تمامی حج و عمره به این است که انسان زبانش را حفظ کند، مگر در امور خیر؛ چنان که خدای عزوجل می فرماید: ﴿فَمَنْ قَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ﴾^۱

همچنین امام سجاده علیه السلام فرمود:

حج این است که توجه داشته باشی که می خواهی پروردگارت را زیارت و ملاقات کنی و از کردارهای زشتت به سوی او پناه ببری. بدین وسیله توبهات مورد قبول واقع می شود و عملی را که خدا بر تو واجب کرده، انجام می دهی.^۲

از این قبیل احادیث استفاده می شود که سفر حج و انجام مناسک آن، به منظور جهاد با نفس و خودسازی و تحصیل صفت تقوا و پرهیزگاری تشریح شده است. حاجی در این سفر روحانی باید همواره به یاد خدا باشد و او را حاضر و ناظر بداند؛ گرچه به سوی کعبه و

۱. میزان الحکمة، محمدی ری شهری، ج ۲، ص ۲۷۲؛ «الامام الصادق علیه السلام قال: اذا أحرمت فعليك بتقوى الله و ذكر الله كثيراً و قلة الكلام الا بخير، فان من تمام الحج و العمرة ان يحفظ المراء لسانه الا من خير، كما قال الله تعالى، ﴿فَمَنْ قَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ...﴾».

۲. همان، ج ۱، ص ۵۳۵؛ «الامام زين العابدين علیه السلام قال: حق الحج ان تعلم انه وفادة الى ربك و فرار اليه من ذنوبك و به قبول توبتك و قضاء الفرض الذي اوجبه الله عليك».

مسجدالحرام حرکت می‌کند، ولی در واقع قصد زیارت و ملاقات با خدا و رب بیت را دارد.

حاجی می‌رود تا نفس خویش را بر پروردگارش عرضه بدارد، از کردار زشتش اظهار پشیمانی نماید و با او پیمان ببندد که تا پایان عمر در صراط مستقیم دین حرکت کند و در توفیق بر این مهم از خدا استمداد جوید. در چنین صورتی حاجی به صورت انسانی پاک و باتقوا به سوی وطن، باز می‌گردد و به تعهدی که با خدا بسته، تا آخر عمر پایدار خواهد ماند.

توضیح بیشتری از امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام در آداب حج می‌فرماید:

هنگامی که عازم حج شدی، قلب خود را برای توجه به خدا از هر شاغل و مانع دیگری پاک گردان و همه امورت را به خداوند آفریننده‌ات واگذار کن و در همه حرکات و سکناات خود، بر خدا توکل کن و در برابر قضاء و حکمت و قدر الهی تسلیم باش. با دنیا و لذت‌های آن وداع کن و خودت را از حقوقی که دیگران بر تو دارند پاک گردان. بر توشه سفر و مرکب سواری و همراهان و نیروی بدنی و جوانی و اموات اعتماد نکن؛ مبدا همین‌ها دشمن و وبال گردن تو گردند. همانا کسی که مدعی رضایت خدا باشد، ولی بر دیگری اعتماد نماید، خدا همان‌ها را دشمن و اسباب هلاکت او

قرار می‌دهد تا بداند که جز از طریق نگهداری خدا و توفیقات او، کاری ساخته نیست.

پس خودت را به گونه‌ای آماده کن که گویا امیدی به برگشت به وطن نداری. با همسفرانت خوش رفتاری کن. اوقات انجام فرایض دینی و سنت‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را مراعات کن. آنچه بر تو واجب شده، از قبیل رعایت آداب و صبر بر تحمل دشواری‌ها و سپاسگزاری و مهربانی و سخاوت و ایثار زاد [و توشه] بر دیگران را همواره رعایت کن. با آب توبه خالص، نفس خود را از گناهان پاک ساز.

لباس صدق و صفا و خضوع و خشوع را بپوش. در تلبیه، هر چیزی را که مانع یاد خدا باشد و تو را از طاعت او باز می‌دارد، بر خود حرام گردان. تلبیه (لییک گوئی) به معنای اجابت صاف و پاکیزه دعوت خدای عزوجل است که تو را به زیارت حج دعوت نموده؛ در حالی که در انجام وظیفه از او استمداد می‌جویی. در حال طواف اطراف کعبه، قلبت را با فرشتگان که اطراف عرش الهی طواف می‌نمایند، همراه گردان.

در سعی بین صفا و مروه، آن‌گاه که هروله (دویدن) می‌کنی، فرار از هواهای نفسانی و تبری از حول و

قوه خودت را در نظر بگیر. به هنگام حرکت به سوی من، خروج از غفلت‌ها و لغزش‌هایت را منظور بدار و آنچه را برایت حلال نیست و استحقاقش را نداری، آرزو مکن. در عرفات به خطاهای خود اعتراف کن و به یگانگی خدا اعتراف نما.

در «مزدلفه» به خدا تقرب بجوی و به او اعتماد کن. به هنگام صعود به کوه، روح را به سوی ملاء اعلیٰ بالا ببر. به هنگام ذبح قربانی، گلوی خواسته‌های نفسانی و طمع‌ورزی را قطع کن. به هنگام رمی جمرات، شهوت‌ها و تنگ‌نظری‌ها و پستی‌ها و افعال زشت خودت را رمی کن.

به هنگام تراشیدن سر، عیوب ظاهر و باطن خود را بر طرف ساز. به هنگام دخول در حرم، دخول در امان خدا و پناه او و پوشش و نگهداری و رسیدن به مراد را منظور بدار. کعبه را به منظور تعظیم صاحب آن و معرفت جلال و قدرت او زیارت کن.

حجرالاسود را به منظور رضایت به قسمت و خضوع در برابر عظمت او استلام کن. در طواف وداع، با غیرخدا وداع کن. در وقوف بر صفا، روح و باطن خود را برای ملاقات با خدا تصفیه کن. در مروره، ترس خود را در رعایت تقوا منظور بدار و با

شروطی که در سفر حج با خدا بستنی، تا قیامت

پایدار بمان.^۱

۱. بحارالانوار، مجلسی، ج ۹۶، ص ۱۲۴: «قال الصادق عليه السلام: «إذا اردت الحج فجرد قلبك لله من قبل عزمك من كل شاغل وحجاب كل حاجب وفوض امورك كلها الى خالقك وتوكل عليه في جميع ما يظهر من حركاتك وسكناتك وسلم لقضائه وحكمه وقدره. وودع الدنيا والراحة والخلق واخرج من حقوق تلزمك من جهة المخلوقين ولا تعتمد على زادك وراحتك واصحابك وقوتك وشبابك ومالك، مخافة ان يصير ذلك عدواً وبالاً. من ادعى رضى الله واعتمد على شيء ما سواه صيره عليه عدواً وبالاً، ليعلم انه ليس له قوة ولا حيلة ولا لاحد الا الله بعصمة الله وتوفيقه واستعد استعداد من لا يرجوا الرجوع واحسن الصحبة وراع اوقات فرائض الله وسنن نبيه صلى الله عليه وسلم وما يجب عليك من الادب والاحتمال والصبر والشكر والشفقة والسخاوة واثار الزاد على دوام الاوقات، ثم اغسل بماء التوبة الخالصة من ذنوبك والبس كسوة الصدق والصفاء والخشوع والخشوع واحرم من كل شيء يمنعك من ذكر الله ويجيبك عن طاعته. ولب بمعنى اجابة صافية خالصة زاكية لله عز وجل في دعوتك متمسكاً بالعروة الوثقى، وطف بقلبك مع الملائكة حول العرش كطوافك مع المسلمين بنفسك حول البيت وهرول هرباً من هواك وتبرياً من جميع حولك وقوتك واخرج من غفلتك وزلاتك بخروجك الى منى ولا تتضمن مالا يحل لك ولا تستحقه واعترف بالخطايا بعرفات وجدد عهدك عند الله وحاديته وتقرب الى الله واتقه بمزدلفة واصعد بروحك الى الملأ الاعلى بصعودك الى الجبل واذبح حنجرة المسوى والطمع عند الذبيحة وارم الشبهوات والحساسه والسدانة والاقعال الذميمة عند رمي الجمرات واحلق العيوب الظاهرة والباطنة بحلق شعرك وادخل في امان الله وكنفه وستره وكلايته من متابعة مرادك بدخولك الحرم، وزر البيت متحققاً لتعظيم صاحبه ومعرفته وجلاله وسلطانه واستلم الحجر رضى بقسمته وخضوعاً لعزته وودع ماسواه بطواف الوداع، ووصف روحك وسرك للقاء الله يوم تلقاه بوقوفك على الصفاء وكن ذامرة من الله بفناء اوصافك عند المروة واستقم على شرط حجتك وفاء عهدك الذي عاهدت به مع ربك وواجبت له الى يوم القيامة».

مرحوم شهید در آداب زیارت نوشته است:

نهمین وظیفه زائر این است که در جمیع احوال و هر چه می‌تواند در حضور قلب کوشش کند. از گناهانش توبه کند و از خداوند سبحان، طلب مغفرت نماید و گناه را در خود ریشه کن سازد.^۱

همو می‌نویسد: «دوازدهمین ادب زیارت این است که زائر بعد از زیارت، از قبل بهتر شده باشد؛ چون اگر زیارت پذیرفته شد، گناهانش آمرزیده خواهد شد».^۲

کوتاه سخن اینکه زیارت بیت الله و انجام مراسم عبادی حج، دو جنبه دارد: یک جنبه صوری و ظاهری که عبارت است از یک سری اعمال صوری و آداب و دستورات فقهی که رعایت آنها در صحت عمل و اسقاط تکلیف شرعی ضرورت دارد. این مناسک را باید از کتب مناسک حج و مراجع تقلید فرا گرفت و بدانها عمل کرد.

جنبه دوم، جنبه باطنی و نفسانی حج است؛ چنان‌که از احادیث و سیره معصومان و عمل و گفتار عارفان استفاده می‌شود و پیش از این به برخی از آنها اشاره شد. مراسم حج یک کلاس تربیتی، سیر و سلوک باطنی، تمرین بر تزکیه و تهذیب، تمرین بر ترک گناه و تحصیل صفت ارزشمند تقوا و مصونیت نفسانی است.

۱. بحار الانوار، مجلسی، ج ۹۶، ص ۱۲۴ و ج ۱۰۰، ص ۱۳۵.

۲. همان.

حاجی واقعی کسی است که نفسش در این ایام دگرگون شده باشد؛ به طوری که در بازگشت به سوی وطن، این دگرگونی و تغییر حالت‌ها در اخلاق و رفتارش برای دیگران نیز آشکار باشد. این مسئله، خود یکی از آثار پذیرفته‌شدن حج است؛ چنان‌که در بعضی احادیث نیز بدان اشاره شده است.

پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حدیثی فرمودند:

یکی از نشانه‌های قبولی حج این است که حاجی، وقتی به وطن خود باز می‌گردد، گناهان گذشته‌اش را ترک کرده باشد؛ این حالت از نشانه‌های قبولی حج است. اما اگر وقتی از حج باز می‌گردد، به همان گناهان سابقش ادامه دهد؛ مانند زنا یا خیانت یا معاصی دیگر، حج چنین شخصی مردود خواهد شد.^۱

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

حج و عمره دو بازار از بازارهای آخرت هستند. کسی که این دو عمل را انجام دهد، در جوار خدا خواهد بود. اگر به آرزویش برسد، خدا گناهان

۱. مستدرک الوسائل، میرزای نوری، ج ۱۰، ص ۲۶۵: «قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: من علامة قبول الحج اذا رجع الرجل عما كان عليه من المعاصي و هذا علامة قبول الحج و ان رجع من الحج ثم انهمك فيما كان عليه من زنا او خيانة او معصية فقد ردة عليه حجه».

گذشته‌اش را می‌آمرزد و اگر اجلسش فرا رسد، از خدا پاداش نیک دریافت خواهد کرد.^۱

حج مقبول از دیدگاه امام زین العابدین علیه السلام

در همین رابطه به این حدیث نورانی نیز توجه کنید:

هنگامی که امام زین العابدین علیه السلام از سفر حج برگشت، شخصی به نام «شبلی» به استقبال ایشان رفت. حضرت از او پرسید: «آیا تاکنون به حج رفته‌ای؟». عرض کرد: «بلی یابن رسول الله». حضرت از او پرسید: «آیا در میقات، لباس‌های دوخته را از بدنت خارج کردی و غسل احرام کردی؟» عرض کرد: «بله یابن رسول الله». فرمود: «آیا در میقات قصد کردی که لباس معصیت را از تنت خارج سازی و لباس اطاعت از خدا را بپوشی؟» عرض کرد: «نه، یابن رسول الله».

فرمود: «هنگامی که لباس دوخته را از بدنت خارج کردی، آیا تصمیم گرفتی که خودت را از ریا و نفاق و دخول در شبهات نیز پاک سازی؟ عرض کرد: نه یابن رسول الله. فرمود: «به هنگام غسل احرام، قصد کردی که همراه با غسل، باطنت را نیز

۱. کافی، کلینی، ج ۴، ص ۲۶۰: «عن ابی عبدالله علیه السلام قال: الحج و العمرة سوقان من اسواق الآخرة و العامل بهما فی جوار الله، إن ادرك ما يأمل غفر الله له و ان قصر به أجله وقع اجره علی الله».

از خطاها و گناهان پاک سازی؟» عرض کرد: «نه یابن رسول الله». حضرت فرمود: «پس تو بر میقات نازل نشدی و لباس دوخته را از تنت خارج نساختی و غسل احرام انجام ندادی!»

آن‌گاه پرسید: «آیا نظافت کردی و مُحْرِمِ شَدی و نیت حج کردی؟» عرض کرد: «بله اینها را انجام دادم». فرمود: «آیا در حالی که خودت را نظیف کردی و مُحْرِمِ شَدی و نیت حج کردی، قصد کردی که با نور توبه خالص نیز باطنت را نیز پاک سازی؟» عرض کرد: «نه یابن رسول الله». فرمود: «آن‌گاه که مُحْرِمِ شَدی، قصد کردی که همه محرمات الهی را بر خودت تحریم کنی؟» عرض کرد: «نه یابن رسول الله». فرمود: «آن‌گاه که نیت حج کردی، تصمیم گرفتی که خودت را از هر تصمیمی که بر خلاف رضای خدا گرفته‌ای فارغ سازی؟» عرض کرد: «نه یابن رسول الله». فرمود: «پس خودت را تطهیر نکردی و احرام نبستی و نیت حج نکرده‌ای!»

آن‌گاه امام پرسید: «آیا در میقات وارد شدی و دو رکعت نماز احرام را خواندی و لیبیک گفتی؟» عرض کرد: «بله یابن رسول الله». فرمود: «آن‌گاه که داخل میقات شدی، آیا توجه داشتی که به قصد

زیارت [خدا] آمده‌ای؟» عرض کرد: «نه یابن رسول الله». فرمود: «آیا در حال نماز، توجه داشتی که تو به وسیله نماز که بهترین اعمال و بزرگ‌ترین حسنات است، به خدا تقرب می‌جویی؟» عرض کرد: «نه یابن رسول الله». فرمود: «در حین تلبیه، توجه داشتی که به خداوند سبحان وعده می‌دهی که به کارهایی که اطاعت از خداست، سخن بگویی و درباره هر معصیتی خاموش باشی؟» عرض کرد: «نه». حضرت فرمود: پس تو در میقات وارد نشدی، نماز نیز نخواندی و تلبیه هم نگفتی!

آن‌گاه حضرت پرسید: «آیا داخل حرم شدی و کعبه را مشاهده کردی و نماز خواندی؟» عرض کرد: «آری یابن رسول الله». فرمود: «آیا وقتی وارد حرم شدی، قصد کردی که غیبت هر مسلمانی از ملت اسلام را بر خودت تحریم کنی؟» عرض کرد: «نه». فرمود: «آن‌گاه که به مکه رسیدی، در دل خود توجه نمودی که به سوی خدا می‌روی؟» عرض کرد: «نه یابن رسول الله». حضرت فرمود: «پس تو داخل حرم نشدی، کعبه را نیز مشاهده نکردی و نماز هم نخواندی!».

پس امام پرسید: «آیا طواف کعبه را انجام دادی و

ارکان را لمس کردی و سعی بین صفا و مروه را انجام دادی؟» عرض کرد: «آری یابن رسول الله». فرمود: «آیا هنگام سعی، قصد کردی که به سوی خدا فرار می کنی و خدای علام الغیوب نیز شاهد آن است؟» عرض کرد: «نه یابن رسول الله». حضرت فرمود: «پس تو طواف بیت را انجام ندادی و ارکان را لمس نکردی و سعی بین صفا و مروه را انجام نداده‌ای!».

آن گاه حضرت سؤال کرد: «آیا حجرالاسود را لمس کردی و در مقام ابراهیم توقف نمودی و دو رکعت نماز خواندی؟» عرض کرد: «آری یابن رسول الله». در این هنگام امام علیه السلام، صیحه‌ای زد که گویا جان از بدنش مفارقت نموده و فرمود: «آه، آه!». سپس فرمود: «هر کس حجرالاسود را لمس کند، چنان است که گویا خدای متعال را زیارت می کند. ای انسان مسکین! مواظب باش اجر خودت را ضایع نکنی و این مصافحه را با مخالفت و گرفتن حرام، نقض نکنی».

سپس فرمود: «آن گاه که در مقام ابراهیم توقف نمودی، آیا قصد کردی که در برابر هر طاعتی وقوف کنی و از هر معصیتی اجتناب نمایی؟» عرض کرد: «نه یابن رسول الله». آن گاه پرسید:

«زمانی که دو رکعت نماز طواف را خواندی، توجه کردی که نماز حضرت ابراهیم را می‌خوانی و پوزه شیطان را به خاک می‌مالی؟» عرض کرد: «نه یابن رسول الله». حضرت فرمود: «پس حجرا لاسود را مصافحه نکردی و در مقام ابراهیم توقف نکردی و دو رکعت نماز طواف را نخوانده‌ای!».

آن‌گاه فرمود: «آیا بر آب زمزم اشراف نمودی و از آن آب نوشیدی؟» عرض کرد: «آری یابن رسول الله». امام فرمود: «آیا در آن هنگام، قصد کردی که همواره بر اطاعت خدا پایدار بمانی و از معاصی، به کلی چشم‌پوشی؟» عرض کرد: «نه یابن رسول الله». پس امام فرمود: «آیا بین صفا و مروه، سعی کردی و در بین آن تردد نمودی؟» عرض کرد: «بله یابن رسول الله». امام فرمود: «آیا خودت را در بین خوف و رجاء دیدی؟» عرض کرد: «نه». امام فرمود: «پس سعی نکردی و در بین صفا و مروه هم تردد نمودی!».

حضرت به او فرمود: «آیا به منا رفتی؟» عرض کرد: «بله». فرمود: «آیا تصمیم گرفتی که مردم را از زبان و قلب و دست در امان بداری؟» عرض کرد: «نه». فرمود: «پس به منا وارد نشدی!».

آن‌گاه امام فرمود: «آیا وقوف در عرفه را انجام

دادی و بر کوه رحمت بالا رفتی و وادی نمره را شناختی و خدا را در جمرات خواندی؟» عرض کرد: «آری یابن رسول الله».

امام فرمود: «آیا به هنگام توقف در عرفات، با معرفت به خدا و کسب علوم خدانشناسی آشنا شدی و دانستی که خدای سبحان بر صحیفه اعمال و باطن و قلب تو آگاهی کامل دارد؟» عرض کرد: «نه یابن رسول الله». آن گاه امام فرمود: «آیا از جیل رحمت که بالا رفتی، توجه داشتی که خداوند سبحان هر مرد و زن مؤمن و هر زن و مرد مسلم را مورد رحمت قرار می‌دهد؟» عرض کرد: «نه یابن رسول الله». امام فرمود: «آیا در نمره در این‌باره تصمیم گرفتی که بدانچه امر می‌کنی، عمل کنی و بدانچه نهی می‌کنی، خودت را نیز از آن باز بداری؟» عرض کرد: «نه یابن رسول الله».

امام فرمود: «آیا آن گاه که نزد عَلم و نمره وقوف کردی، توجه داشتی که آنها شاهد بر اعمال نیک تو می‌باشند و با فرشتگانی که به امر پروردگار آسمان‌ها، حافظ اعمال تو شده‌اند، همکاری دارند؟» عرض کرد: «نه!». حضرت فرمود: «پس تو در عرفات وقوف نکرده و بر جیل رحمت بالا نرفته‌ای و نمره را نشناخته و نزد آن دعا نکرده‌ای!».

آن‌گاه فرمود: «آیا در میان عَلمین^۱ عبور کردی و قبل از مرور، دو رکعت نماز خواندی و به سوی مزدلفه رفتی و سنگ‌ریزه‌ها را جمع کردی و بر مشعرالحرام عبور کردی؟» عرض کرد: «بله یابن رسول الله». امام فرمود: «آن‌گاه که دو رکعت نماز خواندی، توجه داشتی که در شب دهم، نماز شکر می‌خوانی تا هر سختی را از تو نفی کند و هر امر آسانی را برای تو آسان گرداند؟» عرض کرد: «نه یابن رسول الله». فرمود: آن‌گاه که از میان علمین عبور می‌کردی و سعی داشتی به سوی چپ و راست نروی، آیا قصد کردی که از مرز دین حق نیز به چپ و راست متمایل نشوی؛ هم با قلبت، هم با زبانت و نه با سایر اعضا و جوارحت؟» جواب داد: «نه یابن رسول الله». فرمود: «آن‌گاه که به مزدلفه رفتی و سنگ‌ریزه‌ها را جمع می‌کردی، آیا قصد کردی که هرگونه معصیت و جهل را از خودت دور سازی و هر علم و عملی را برای خودت تثبیت کنی؟» عرض کرد: «نه یابن رسول الله».

۱. عَلمین یعنی دو علامت و نشانه و مراد از آن محلی به نام «مأزمین» است «مأزم» مسیر تنگ و باریک بین دو کوه را گویند، و مأزمین دره‌ای تنگ بین عرفه و مشعر است. بنابر روایات انتهای مزدلفه و ابتدای عرفات است. این دره تنگ جزو عرفات محسوب می‌شود. از آنجا که دو کوه دو طرف دره مانند دو علامت برای مرز بین عرفات و مشعر هستند از آنها تعبیر به عَلمین شده است.

امام علیه السلام فرمود: «آن گاه که از مشعرالحرام عبور می کردی، تصمیم گرفتی که قلبت را با فهم اهل تقوی و خوف از خدا همگام سازی؟» عرض کرد: «نه یابن رسول الله». امام علیه السلام فرمود: «پس بر دو علم عبور نکردی و دو رکعت نماز را هم نخواندی و در مزدلفه هم راه نرفتی و سنگ ریزه هم برنداشتی و از مشعرالحرام هم عبور نکردی!».

آن گاه امام از او پرسید: «آیا به منا رفتی و رمی جمره کردی و سرت را تراشیدی و قربانیت را ذبح کردی و در مسجد خیف نماز خواندی و به مکه برگشتی و طواف خانه کعبه را انجام دادی؟» عرض کرد: «آری یابن رسول الله». امام فرمود: «آن گاه که به منا رسیدی و رمی جمرات را انجام دادی، آیا احساس کردی که به مقصد خود رسیده‌ای و پروردگارت همه حاجات تو را برآورده ساخته است؟» عرض کرد: «چنین احساسی برایم وجود نیامد یابن رسول الله!».

امام علیه السلام فرمود: «آن گاه که جمرات را رمی می کردی، آیا قصد کردی که دشمنت، شیطان را رمی کنی و با اتمام حج ارزشمندت، شیطان را خشمناک سازی؟» عرض کرد: «نه یابن رسول الله». امام فرمود: «آن گاه که سرت را تراشیدی،

احساس کردی که خودت را از آلودگی‌ها و گناهان بنی‌آدم پاک‌سازی کردی و از گناهان، پاک شده‌ای، همانند روزی که از مادر تولد یافته ای؟» عرض کرد: «نه یابن رسول الله».

امام علیه السلام فرمود: «آن‌گاه که در مسجد خیف نماز خواندی، قصد کردی که جز از خدا و گناهانت ترس نداشته باشی و جز به خدا امیدوار نباشی؟» عرض کرد: «نه یابن رسول الله». سپس امام علیه السلام فرمود: «آیا به هنگام ذبح قربانی، قصد کردی که با تمسک به حقیقت پرهیزگاری، گلهوی طمع را قطع نمایی؟ و اینکه تو در عمل ذبح از سنت حضرت ابراهیم علیه السلام در ذبح فرزند عزیز و میوه دلش، پیروی کردی که حضرت خواست که این سنت حسنه بعد از خودش باقی بماند؟» عرض کرد: «نه یابن رسول الله».

سپس امام علیه السلام فرمود: «وقتی از منا به مکه بازگشتی و طواف وداع را انجام دادی، احساس کردی که تو در اثر الطاف الهی، مشمول رحمت خدا واقع شده و به اطاعت از او بازگشته‌ای و به محبت‌های خدا تمسک نموده و فرایض خود را انجام داده و به سوی خدا تقرب جسته‌ای؟» عرض کرد: «نه یابن رسول الله». آن‌گاه امام زین العابدین علیه السلام فرمود:

«پس به منا نرفته و رمی جمرات نکرده و سرت را نتراشیده و مناسک حج را انجام نداده و در مسجد خیف، نماز نخوانده و طواف افاضه را انجام نداده و به خدا تقرب نجسته‌ای و حج تو مقبول واقع نشده است!».

در این هنگام «شبلی» با شنیدن توضیحات امام زین العابدین علیه السلام، درباره حج مقبول و فرصتی را که در ایام حج از دست داده، بسیار متأثر شد و گریست و تصمیم گرفت در سال آینده آن را جبران کند.^۱

زیارت پیامبر ﷺ و امامان معصوم علیهم السلام

چنان‌که پیش از این اشاره شد، زیارت در لغت به معنای دیدار همراه با احترام و اکرام از شخص یا مکان است. شخص یا مکان زیارت‌شونده (مزور) نزد زائر، از قداست و احترام خاصی برخوردار بوده و با او سنخیت و مناسبتی دارد و انگیزه زیارت، ادای احترام نسبت به اوست. هیچ‌گاه گفته نمی‌شود فلان شخص به زیارت فلان ظالم ستمگر رفت یا فلان مسلمان به زیارت بت‌کده رفت یا فلان بت‌پرست به زیارت کعبه رفت و امثال اینها؛ چون باید بین زائر و مزور، سنخیتی وجود داشته باشد.

یکی از انواع زیارت‌ها که در مورد آن تأکید فراوان شده و پاداش‌های اخروی و دنیوی بر آن مقرر گشته، زیارت پیامبر گرامی اسلام ﷺ و امامان معصوم علیهم السلام است. این زیارت می‌تواند در زمان حیات آن بزرگواران باشد یا می‌تواند بعد از مرگ و زیارت مراقده مقدس و حرم‌های

شریف آن بزرگواران باشد. البته زیارت قبور و ضریح‌های آنان، فی نفسه ارزشی ندارد؛ بلکه ارزش این قبور به اعتبار صاحبان آن است که روح آن بزرگواران در عالم برزخ، به زائران توجه دارند.

در واقع حضور زائر، حضوری باطنی است؛ یعنی زائر در باطن ذات و نفس خود، با روح پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امام معصوم عَلَيْهِ السَّلَام ارتباط برقرار می‌کند و خودش را بر آن انسان‌های برگزیده و بنده خاص خداوند عرضه می‌دارد؛ چنان‌که در زیارت بیت الله نیز زائر، نفس و باطن ذات خویش را بر صاحب بیت، یعنی خدای سبحان عرضه می‌دارد.

در اصل استحباب و مرغوبیت زیارت قبور و مراقبت پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام و پاداش‌های اخروی و دنیوی آن، تردیدی نیست؛ چراکه احادیث فراوانی در این باره وجود دارد که به حد تواتر معنوی می‌رسد؛ بیش از پانصد حدیث، تنها در جلد چهاردهم کتاب «وسائل الشیعه»، وجود دارد. با مطالعه جلد ۹۷، ۹۸ و ۹۹ کتاب «بحارالانوار» و همچنین کتاب «مستدرک الوسائل» و سایر کتاب‌های حدیث نیز، بیش از این دیده می‌شود.

آنچه در اینجا نیاز به بحث دارد، این است که مراد از زیارت مطلوب در شرع چیست؟ آیا صرف حضور زائر نزد قبور و حرم‌های مطهر، موجب این همه ثواب

می‌شود؟ آیا این مسئله در مورد همه کس و به هر کیفیت صادق است یا اینکه شرایط خاصی دارد؟ هدف از این زیارت‌ها چیست؟ چرا شرع به زیارت‌ها این قدر عنایت داشته؟ آیا صرف حضور فیزیکی در این مرقدها، این همه ارزش دارد یا این ارزش‌ها برای آثار معنوی زیارت‌هاست؟

در پاسخ صحیح به پرسش‌های پیش‌گفته، باید به احادیث مربوط، مراجعه و از راهنمایی‌های خود معصومان علیهم السلام استفاده کنیم. احادیث مرتبط با فضیلت و شرایط زیارت را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

دسته اول، احادیث فراوانی است که در آنها به طور مطلق به زیارت معصومین علیهم السلام سفارش شده و از ثواب‌ها و آثار دنیوی و اخروی این زیارت‌ها خبر داده‌اند که بیشتر احادیث همین‌گونه‌اند.

دسته دوم، احادیثی است که علاوه بر مطالب پیش‌گفته، به ذکر حکمت و علل تشریح زیارت نیز اشاراتی دارند. این دسته از احادیث را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: بخش اول، احادیثی که عرفان و شناخت حق امامان را شرط قبولی زیارت و ترتب آثار معرفی می‌کنند که بیش از سی حدیث در این مورد وجود دارد؛ برای نمونه امام صادق علیهم السلام فرمود: «کسی که قبر اباعبدالله علیهم السلام را زیارت کند، در حالی که عارف به حق او

باشد، خدای متعال گناهان گذشته و آینده‌اش را می‌آمرزد.^۱

همچنین امام رضا علیه السلام فرمود: «هر کس قبر حسین علیه السلام را زیارت کند، در حالی که عارف به حق او باشد، خدای متعال نام او را در علین ثبت می‌کند».^۲ در این قبیل احادیث، گرچه به ضرورت شناخت و عرفان حق امام اشاره شده است، ولی در رابطه با تعیین مصداق و جنبه‌های شناخت آن حضرت چیزی نیامده است. زائران چه جنبه‌هایی از امام را باید بشناسند و در زیارت به آنها توجه کنند تا به ثواب کامل زیارت نائل گردند؟ البته در بعضی از احادیث به این مطلب اشاره شده است؛ برای نمونه در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که به یکی از اصحاب فرمود:

یکی از نوادگان من در سرزمین خراسان، در شهر طوس به شهادت خواهد رسید. هر کس او را زیارت کند، در حالی که عارف به حق او باشد، من در قیامت دست او را می‌گیرم و داخل بهشتش می‌نمایم. گرچه از اهل ارتکاب (بعض) گناهان

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۱۹: «عن ابی عبدالله علیه السلام قال: من زار قبر ابی عبدالله عارفاً بحقه غفر الله له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر».

۲. همان، ص ۴۱۸: «فی صحیفه الرضا علیه السلام عن آبائه عن ابی جعفر علیه السلام قال: من زار قبر الحسین علیه السلام عارفاً بحقه کتبه الله فی علین».

کبیره باشد. راوی عرض کرد: فدایت شوم، مراد از عرفان حق چیست؟ فرمود: بدانند که او امام واجب اطاعه و غریب و شهید است. هر کس او را زیارت کند و حقش را بشناسد، خدای متعال اجر هفتاد شهید را که در رکاب پیامبر ﷺ شهید شده‌اند، به او عطا خواهد کرد.^۱

در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کند، در حالی که او را امام واجب اطاعه از جانب خدا بداند، گناهان گذشته و آینده‌اش بخشوده می‌شود».^۲

همچنین امام رضا علیه السلام فرمود:

هر امامی پیمانی دارد بر عهده دوستان و شیعیانش و از اتمام وفای به عهد، زیارت قبور آنان است. پس هر کس از روی رغبت و به قصد تصدیق به آنچه آنان به آن میل دارند، ایشان را

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۵۴: «حمزة بن عمران قال: قال ابو عبد الله علیه السلام: تقتل حفدتي بارض خراسان، في مدينة يقال لها طوس، من زاره اليها عارفاً بحقه أخذته بيدي يوم القيامة و ادخلته الجنة و ان كان من اهل الكباير، قلت له جعلت فداك و ما عرفان حقه؟ قال: يعلم انه امام مفترض الطاعة، غریب شهید، من زاره عارفاً بحقه اعطاه الله عزوجل اجر سبعین شهیداً ممن استشهد بين يدي رسول الله صلی الله علیه و آله على حقيقة».

۲. همان، ص ۴۱۵: «قال الصادق علیه السلام: من زار قبر الحسين علیه السلام و هو يعلم انه امام من قبل الله مفترض الطاعة على العباد غفر الله له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر، الخ».

زیارت کند، امامانشان در قیامت شفیع آنان خواهند بود.^۱

امام موسی بن جعفر علیه السلام نیز فرمود:

کمترین ثوابی که به زائر امام حسین علیه السلام در کنار شط فرات می‌رسد، در صورتی که حق و حرمت و ولایت او را قبول داشته باشد، این است که گناهان گذشته و آینده‌اش بخشوده می‌شود.^۲

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

هرکس امام واجب‌الاطاعه‌ای را زیارت و نزد قبرش، چهار رکعت نماز بخواند، خداوند ثواب یک حج و عمره در نامه عملش می‌نویسد.^۳

از برخی احادیث، استفاده می‌شود که زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام در زمان حیاتشان نیز همین ارزش و ثواب را دارد. امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه به حج رفتید، آن را به

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۲۲: «حسن بن علی الوشاء عن ابي الحسن الرضا علیه السلام قال: ان لكل امام عهداً في عنق اوليائه و شيعته و ان من تمام الوفاء بالمعهد زيارة قبورهم، فمن زارهم رغبة في زيارتهم و تصديقاً بما رغبوا فيه كان ائمتهم شفعا لهم يوم القيامة».

۲. همان، ص ۴۱۰: «قال ابو الحسن موسى علیه السلام: ادنى ما يثاب به زائر ابي عبدالله الحسين علیه السلام بشط الفرات، اذا عرف حقه و حرمة و ولايته ان يغفر له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر».

۳. همان، ص ۳۳۲: «قال الصادق علیه السلام: من زار اماماً مفترض الطاعة و صلى عنده اربع ركعات كتب الله له حجة و عمرة».

زیارت ما ختم کنید؛ چون زیارت ما از اتمام حج است.^۱
 امام صادق علیه السلام از حسن بن علی علیه السلام نقل کرد که به پیامبر
 اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

پدرم! پاداش کسی که تو را زیارت کند
 چیست؟ فرمود: پسرم هر کس مرا در زمان
 حیات یا بعد از مرگ زیارت کند یا پدرت یا
 برادرت یا تو را زیارت کند، حقیقتش بر من این
 است که در قیامت او را زیارت کنم و از
 گناهانش پاک سازم.^۲

زراره از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که فرمود:

به مردم امر شده که این احجار (سنگ‌هایی که در
 بنای کعبه به کار برده شده و حجرالاسود) را
 زیارت کنند؛ بعد از آن به مدینه بیایند و از ولایت
 خودشان نسبت به ما خبر دهند و پایداری خودشان
 را در وفاداری به نصرت ما اعلام نمایند.^۳

۱. سفینة البحار، شیخ عباس قمی، ج ۳، ص ۵۱۸: «عن الصادق علیه السلام قال: اذا

حج احدکم فلیختم حجه بزيارتنا فان ذلك من تمام الحج».

۲. همان: «قال الحسن بن علی علیه السلام: لرسول الله صلی الله علیه و آله: یا ابتاه! ما جزء من زارك؟
 فقال رسول الله یا بني من زارني حياً او ميتاً او زار اباك او اخاك او زارك كان
 حقاً علی أن ازوره يوم القيامة و اخلصه من ذنوبه».

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۲۱: «زراره عن ابي جعفر علیه السلام قال: انما امر الناس
 ان یأتوا هذه الاحجار، فیطوفوا بها ثم یأتونا فیخبرونا بولایتهم و يعرضوا
 علينا نصرهم».

گفتارهایی درباره احادیث زیارت

یک: از بررسی و مطالعه احادیث مربوط به زیارت استفاده می‌شود که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام، اصحاب و یارانشان را به زیارت خودشان در زمان حیات، و قبورشان بعد از مرگ سفارش کرده‌اند و در همین راستا، زیارت را یک عبادت معرفی کرده و از آثار دنیوی و ثواب‌های اخروی آن خبر داده‌اند.

در رابطه با فلسفه تشریح زیارت، به عنوان یک عبادت، می‌توان به اموری اشاره کرد که مهم‌ترین آن عبارت است از: برقراری و تحکیم روابط بین شیعیان با یکدیگر و با امام زمانشان. ارزش و اهمیت چنین برنامه‌ای برای بقا و توسعه یک مرام و یک جمعیت، بر کسی پوشیده نیست. در این رابطه آثار دیگری نیز منظور بوده که در آینده بدانها اشاره خواهد شد.

از مراجعه به کتب حدیث و مزار، چنین استفاده می‌شود که ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام، نسبت به زیارت، عنایت خاصی داشته‌اند؛ به ویژه درباره زیارت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام، حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام و امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام احادیث فراوانی وجود دارد که می‌توان گفت در حد تواتر معنوی و قطعی است.^۱ گرچه

۱. احادیث مربوطه را می‌توان در کتب روایی مانند بحارالانوار، ج ۱۴، ج ۹۷، ج ۹۸ و ج ۹۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰؛ میزان الحکمه، ج ۲ و کتاب سفینه البحار و کتب مزار مانند کامل الزیاره محمد بن قولویه قمی مطالعه کرد. همچنین در کتب روایی اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام نیز در موضوع زیارت، احادیث فراوانی وجود دارد.

در بین آنها، احادیثی وجود دارد که راویان آنها ضعیف یا مجهول یا مرسل (و گاهی مجعول) هستند، ولی در مجموع، یقین آورند و نیازی به بررسی سندی ندارند. مگر در برخی از آنها که در بیان ثواب، به مطالب اغراق آمیزی اشاره شده که پذیرش آنها با آیات قرآن و احادیث قطعی و عقل سازگار نیست. در چنین مواردی باید به مبانی حدیث شناسی مراجعه کرد.

دو: احادیث مربوط به زیارت به دو بخش تقسیم می شوند: مطلق و مقید. به احادیثی مطلق می گوئیم که در آنها برای زیارت، ثواب هایی مقرر شده، بدون اینکه قید و شرطی در آن آمده باشد و بیشتر احادیث همین گونه اند. اما احادیث مقید و مشروط، عبارت اند از احادیثی که در آنها برای ثواب زیارت، به شرایطی اشاره شده است؛ مانند جمله «عارفاً بحقه». در این قبیل احادیث که بیش از سی روایت هستند، در ترتب ثواب ها قید شده است که زائر، عارف به حق زیارت شونده باشد؛ یعنی زائر در صورتی زیارتش قبول می شود و می تواند انتظار ثواب های مقرر را داشته باشد که حق پیامبر ﷺ و امامان را بشناسد و به عنوان ادای حق و انجام وظیفه، آنان را زیارت کند. بنابراین زائر باید سعی کند حق زیارت شونده را بشناسد و آن گاه به زیارت برود. ولی

۱. در کتاب کامل الزیاره در رابطه با این گونه احادیث، بایی اختصاص یافته (باب ۵۴) و بیش از هجده حدیث در آن آمده است.

باید توجه داشت که در این دسته از احادیث، توضیحی در مورد اینکه حق زیارت شونده چیست، نیامده است.

سه: در تعدادی از همین احادیث، درباره حق زیارت شونده نیز توضیحاتی آمده است. برای نمونه حمزه بن حمران از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده است:

یکی از فرزندان من در سرزمین خراسان در شهر طوس به قتل می‌رسد. هر کس او را زیارت کند، در حالی که عارف به حق او باشد، من در قیامت با دست خودم او را داخل بهشت می‌کنم؛ گرچه اهل گناه هم باشد. راوی عرض کرد: فدایت شوم! عرفان حق او به چه معناست؟ امام در جواب فرمود: یعنی او را امام و واجب‌الاطاعه بدانند.^۱

در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس قبر حسین علیه السلام را زیارت کند، در حالی که او را امام و واجب‌الاطاعه بداند، خدای متعال گناهان گذشته و آینده‌اش را می‌آمرزد.^۲

همچنین امام رضا علیه السلام فرمود:

امام، پیمانی بر گردن دوستان و شیعیانش دارد و یکی از لوازم وفای به پیمان، زیارت قبور آنان است. پس هر کس آنان را زیارت کند، در حالی

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۵۴.

۲. همان، ص ۴۱۵.

که شوق به زیارت دارد و تصدیق می کند به آنچه آنان دوست دارند، امامانشان در قیامت از آنان شفاعت خواهند کرد.^۱

امام باقر علیهما السلام هم فرمود:

به مسلمانان امر شده که به زیارت این سنگ‌ها (کعبه و حجرالاسود) بروند، سپس نزد ما بیایند و مراتب ولایت خودشان را بر ما عرضه بدارند و به ما وعده نصرت بدهند.^۲

حقوق امامان معصومین علیهم السلام

در تعدادی از احادیث مربوط به زیارت امامان علیهم السلام، به وجه شناخت و عرفان حقوق آنان نیز اشاره شده است؛ برای نمونه، امام صادق علیهما السلام در ثواب زیارت امام حسین علیهما السلام فرمود:

هرکس قبر امام حسین علیهما السلام را زیارت کند، در حالی که او را امام واجب الاطاعه بداند، خدای متعال، گناهان گذشته و آینده‌اش را می‌آمرزد.^۳

حضرت ابوالحسن موسی علیهما السلام فرمود:

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۲۲.

۲. همان، ص ۳۲۱.

۳. همان، ص ۴۱۵: «قال الصادق علیهما السلام: من زار قبر الحسين علیهما السلام وهو يعلم انه امام من قبل الله مفترض الطاعة علی العباد غفر الله له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر».

کم‌ترین ثوابی که به زائر ابا عبدالله حسین علیه السلام می‌رسد، در حالی که حق او و حرمت و ولایتش را بشناسد، این است که گناهان گذشته و آینده‌اش بخشوده می‌شود.^۱

حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام نیز می‌فرماید:

هر امامی پیمانی بر عهده دوستان و شیعیانش دارد و اتمام ولایت، زیارت قبور آنان است. پس هر کس قبور امامان را از روی رغبت و تصدیق بدانچه آنان بدان رغبت دارند، زیارت کند، امامانشان در قیامت از آنان شفاعت خواهند کرد.^۲

در ثواب زیارت امام رضا علیه السلام آمده است:

هر کس او را زیارت کند، در حالی که می‌داند او بعد از پدرش امام واجب‌الاطاعه از جانب خدای عزوجل می‌باشد، مثل کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کرده است.^۳

حضرت ابی عبدالله (امام صادق) علیه السلام فرمود:

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۱۰: «عن ابی الحسن موسی علیه السلام قال: ادنی ما یشاب به زائر ابی عبدالله الحسین علیه السلام بشرط الفرات اذا عرف حقه و حرمته و ولایته ان یغفر له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر».

۲. همان، ص ۳۲۲: «عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال: ان لكل امام عهداً فی عنق اولیائه و شیعته و ان من تمام الوفاء بالعهد زیارة قبور هم فمن زارهم رغبه فی زیارتهم و تصدیقاً بما رغبوا کان ائمتهم شفعاؤهم یوم القیامة».

۳. همان، ص ۵۵۲: «الی ان قال: الا فمن زاره فی غربته و هو یعلم انه امام بعد ایبه مفترض الطاعة من الله عزوجل کان کمن زار رسول الله صلی الله علیه و آله».

یکی از نوادگان من در سرزمین خراسان، در شهر طوس به شهادت می‌رسد. پس هرکس او را زیارت کند، در صورتی که عارف به حقش باشد، من او را با دست خودم به بهشت می‌برم؛ گرچه از اهل کبائر باشد. راوی عرض کرد: عرفان حق او چیست؟ فرمود: او را امام واجب‌الاطاعه بدانند که در غربت به شهادت رسیده است. پس هرکس او را زیارت کند، در حالی که عارف به حقش باشد، خداوند اجر هفتاد شهید که در محضر رسول خدا ﷺ شهید شده باشد را به او عطا خواهد کرد.^۱

سخنی کوتاه درباره حقوق پیامبر ﷺ

گفته شد که زیارت پیامبر اعظم ﷺ در صورتی پذیرفته می‌شود که زائر، حقوق او را بشناسد و ملتزم به آن باشد. در شناخت حقوق پیامبر ﷺ، باید از آیات و احادیث استفاده کنیم. از این رو به چند آیه اشاره می‌کنیم:

قرآن می‌گوید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۵۴: «عن ابی عبدالله علیه السلام قال: تقتل حفدنی بارض خراسان فی مدینة یقال لها طوس، من زاره الیها عارفاً بحقه اخذته بیدی یوم القیامة و ادخلته الجنة و ان کان من اهل الکبائر (قال الراوی) قلت له جعلت فداک و ما عرفان حقه؟ قال: یعلم انه امام مفترض الطاعة غریب شهید من زاره عارفاً بحقه اعطاه الله عزوجل اجر سبعین شهید ممن استشهد بین یدی رسول الله صلی الله علیه و آله علی حقیقة.»

أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿٥٩﴾ (نساء: ۵۹)

ای مؤمنان! از خدا و پیامبر و اولوالامر اطاعت کنید، اگر به خدا و قیامت ایمان دارید، در مواردی که در چیزی تنازع و اختلاف نظر داشتید، در حل آن به خدا و رسول مراجعه نمایید. این بهتر و سرانجام نیکوتری دارد.

در آیه دیگری می‌گوید:

﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ﴾ (شوری: ۱۳)

در دین شما، بر آنچه به نوح سفارش کرده بود، مقرر داشت و نیز آنچه به تو وحی کرده‌ایم و آنچه به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کرده‌ایم که دین را بر پا دارید و در آن اختلاف نکنید.

در آیه‌ای دیگر به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفته می‌شود که به مؤمنان بگو: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾: «من در رسالتم مزدی از شما نمی‌خواهم، جز مودت با خویشان نزدیکم» (شوری: ۲۳). از آیات پیش گفته چند مطلب مهم برداشت می‌شود:

۱. مؤمنان وظیفه دارند از خداوند اطاعت کنند؛ یعنی وحی الهی را از زبان پیامبر ﷺ بپذیرند که این در واقع، اطاعت از خداست.
۲. مؤمنان وظیفه دارند به دستوراتی که از سوی پیامبر ﷺ صادر می شود نیز عمل کنند؛ چرا که پیامبر ﷺ از جانب خداوند بر مسلمانان ولایت دارد و واجب الاطاعه است ﴿وَاطِيعُوا الرَّسُولَ﴾.
۳. مؤمنان وظیفه دارند از صاحبان امر، یعنی حاکمانی که از سوی پیامبر ﷺ منصوب شده اند و امامان معصومین علیهم السلام نیز اطاعت کنند.
۴. مؤمنان باید در موارد اختلاف، برای حل آنها به دستورات خدا و پیامبر ﷺ مراجعه کنند. در پایان، عمل به این فرمانها، از لوازم ایمان به خدا و روز جزا به شمار آمده است.
۵. در آیه دیگری از مسلمانان خواسته شده است که دین توحید را بر پا دارند، به احکام و قوانین دین عمل کنند و در گسترش آن در جهان، به پیامبر اعظم ﷺ کمک نمایند و از اختلاف - چه در مسائل دینی و چه در بین خودشان - بپرهیزند.
۶. در آیه اخیر، مودت ذی القربی (یعنی عترت پیامبر ﷺ که امامان معصومین علیهم السلام، از مهم ترین مصادیق آن به شمار می روند) به عنوان اجر و مزد رسالت پیامبر اسلام ﷺ معرفی شده است.

کوتاه سخن اینکه امور مذکور را می‌توان از جمله حقوق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به شمار آورد. زائران در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله وظیفه داشتند در فرصت‌های ممکن، به محضر ایشان مشرف شوند و مراتب وفاداری خود را نسبت به انجام وظایف، عرضه بدارند و از ثواب زیارت بهره‌مند گردند.

بعد از درگذشت پیامبر صلی الله علیه و آله نیز همین وظیفه و ارزش برجاست. زائر مرقد مطهر آن جناب، در آن مکان شریف حضور می‌یابد و با توجه به اینکه عقیده دارد روح بلند پیامبر صلی الله علیه و آله در جهان برزخ، حیات دارد و بر اعمال امت نظارت می‌کند، نفس و باطن خویش و اعمالش را بر آن جناب عرضه می‌دارد، مراتب وفاداری خود را نسبت به اسلام و پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله عرضه می‌دارد و اگر قصور یا تقصیراتی داشت، از کردار گذشته‌اش توبه می‌کند و تصمیم می‌گیرد آنها را جبران نماید. در چنین زیارتی می‌توان به ثواب‌های مقرر امیدوار بود.

وظایف پیروان امام علیه السلام

لازمه قبول و ایمان به امامت، چند چیز است:

یک: شناخت صفات او؛ مانند علم و عصمت و نصب

از جانب پیامبر یا امام سابق.

دو: زمینه‌سازی برای انجام وظایف امامت و حمایت از

شخص او.

سه: التزام عملی و پیروی از دستوراتش.

چهار: اعلام آمادگی در دفاع از مکتب امامت و حضور در صحنه‌ها در مواقع لازم.

به همین دلیل، اعلام آمادگی و پشتیبانی از آرمان‌های امامت، از حقوق امام به شمار آمده و ثواب‌هایی بر آن مقرر شده است که پیش از این به برخی از آنها اشاره شد. مطلوبیت این حضور و اعلام وفاداری، هم در زمان حیات امام وجود دارد و هم بعد از وفاتش. در زمان حیات امام، تأکید شده، بعد از انجام مراسم حج یا قبل از آن، خدمت امام مشرف شوند و مراتب وفاداری خود را اعلام کنند. بعد از وفات امام ﷺ نیز همین مطلوبیت باقی است و به همین دلیل زیارت مرقد مطهر امام معصوم، تشریح و بر آن تأکید شده و ثواب‌هایی بر آن مقرر شده است.

شیعیان عقیده دارند که روح مقدس پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصومین علیهم السلام، در عالم برزخ در مقام عالی پیامبری و امامت حضور دارند و شاهد اعمال پیروانشان هستند. بنابراین از امت انتظار دارند در تعقیب اهداف آنان، تلاش و جدیت داشته باشند، به وظایف دینی خود عمل کنند و دیگران را نیز ارشاد نمایند. رمز تشریح زیارت مراقد شریف پیامبر ﷺ و امامان معصومین علیهم السلام و ثواب‌های بسیار آن را باید در همین امر جست‌وجو کرد.

زائر در واقع، باطن ذات و کردار و رفتار و اخلاق

خود را بر روح بلند پیامبر ﷺ و امام ائمه علیهم السلام عرضه می‌دارد؛ اگر طبق دستورات آنان عمل کرده باشد، با خشنودی و تصمیم به ادامه انجام وظایف دینی، باز می‌گردد و اگر در انجام وظایف دینی و ولایتی، قصور یا تقصیری داشته باشد، شرمنده می‌شود و اظهار پشیمانی می‌کند. وی در این حال، از کردار زشتش نزد خدا شرمنده می‌شود، توبه می‌کند و برای بازگشت به سوی حق، تصمیم جدی می‌گیرد. سپس ضعف‌ها و اشتباهات خود را جبران می‌کند و با روحی دگرگون‌شده، به وطن باز می‌گردد و یکی از نشانه‌های زیارت مقبول نیز همین است.

جمع‌بندی

از آنچه گفته شد، چند مطلب مهم برداشت می‌شود:

۱. با توجه به احادیث فراوانی که از پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصوم ائمه علیهم السلام درباره زیارت آمده و با توجه به سیره پیامبر ﷺ و امامان معصوم ائمه علیهم السلام و عالمان و مؤمنان سلف در تقید به زیارت، اصل مشروعیت زیارت به عنوان یک عبادت و ثواب‌هایی که بر آن وعده داده شده است، تردیدپذیر و انکارشدنی نیست.
۲. زیارت هم می‌تواند در زمان حیات پیامبر ﷺ و امامان معصوم ائمه علیهم السلام باشد و هم پس از مرگ ظاهری ایشان و به صورت زیارت مراقب شریفه و قبور مطهر آنها.

۳. در تشریح زیارت، مانند سایر عبادت‌ها، اهداف خاصی منظور بوده که زائر باید در تحقق آنها جدیت کند تا اعمالش مقبول واقع شود و به ثواب‌های مذکور نائل آید.

۴. اهدافی را که در تشریح زیارت منظور بوده، می‌توان در امور زیر خلاصه کرد:

الف) تجدید پیمان و اعلام وابستگی به امت اسلامی و مکتب امامت و ولایت و اعلام وفاداری و حمایت از آنها. این نکته همان چیزی است که در احادیث به عنوان حق امام ﷺ معرفی شده است. حق امام ﷺ این است که پیشوا و مقتدا شناخته شده و از او پیروی شود و امامت به همین معناست.

ب) حضور در جایگاهی مقدس برای عبادت، توجه به خدای متعال، راز و نیاز با او، عرض بندگی، توبه از گناهان گذشته، تصمیم به ترک آنها برای همیشه، تزکیه و تهذیب نفس، تحصیل ملکه تقوا و در یک کلام، دگرگونی نفسانی و پاکسازی نفس از اخلاق زشت و آراستن آن به اخلاق نیک که این را می‌توان از بهترین آثار زیارت به شمار آورد.

چه بسا افراد گمراه و معصیت‌کاری که در سفر حج یا زیارت پیامبر ﷺ و ائمه بقیع علیهم السلام یا زیارت دیگر امامان، انقلاب درونی پیدا کرده و از کردار زشت خود پشیمان شده و به صورت انسانی پاک بازگشته‌اند. هر زائری می‌تواند چنین حالی پیدا کند؛ البته در صورتی که بخواهد و در این راه قدم بردارد.

تشریح زیارت و تأکید آن و ثواب‌هایی که بر آن تصور شده، به منظور الگو قرار دادن و پیروی عملی از گفتار و کردار آنهاست، نه بخشایش گناهان و جرئت دادن به مردم در ارتکاب معاصی به امید شفاعت. در برخی احادیث، به این نکته مهم تصریح شده است؛ محمد بن مسلم می‌گوید:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «وقتی ما به زیارت پدرت می‌رویم، در حال حج نیستیم؟» فرمود: «چرا در حال حج هستیم». عرض کردم: «پس آنچه بر حاجیان لازم است، بر ما هم واجب است؟» امام فرمود: «مثلاً چه؟» عرض کردم: «یعنی کارهایی که حاجیان باید انجام دهند». امام فرمود: «رعایت این امور بر زائران واجب است. با هم سفرانت خوش رفتار باش؛ کم سخن بگویی، مگر در کارهای خیر؛ پیوسته در حال ذکر خدا باش؛ نظافت و پاکیزگی را رعایت کن؛ قبل از مشرف شدن به حرم غسل کن؛ در حال خضوع و فروتنی باش؛ زیاد نماز بگزار و بر محمد و آل محمد زیاد صلوات بفرست.

و بر تو لازم است از کارهایی که باید اجتناب کنی، اجتناب نمایی؛ لازم است از نگاه به [مناظر حرام] اجتناب نمایی؛ بر تو لازم است به نیازمندان از برادرانت کمک نمایی؛ بر تو لازم است که تقیه را که قوام دینت بدان بستگی دارد، رعایت نمایی؛ از ارتکاب کارهای حرام اجتناب کن؛ از خصومت و

دشمنی پرهیز کن؛ از قسم و سوگند اجتناب کن، اگر این گونه رفتار کنی، حج و عمرهات مقبول می گردد و استحقاق آن را پیدا می کنی که در برابر هزینه های که صرف کرده ای، به پاداش نیک برسی و با مغفرت و رحمت و رضوان الهی به وطن باز گردی»^۱.

حال عبادت، یکی از برکات زیارت

بعضی مکان ها به اعتبار انتسابشان به خدای متعال، از قداست و ویژه ای برخوردارند؛ مانند مسجدالحرام و مسجد پیامبر و دیگر مسجدهای بزرگ و کوچک. در این قبیل مکان ها، انسان احساس معنویت می کند و بیشتر و بهتر به یاد خدا می افتد و حال عبادت و دعا پیدا می کند. در اثر همین معنویت و توجه است که از ثواب بیشتری

۱. کامل الزیارة، ص ۱۳۰: «محمد بن مسلم عن ابی عبد الله علیه السلام قال: قلت له: اذا خرجنا الى ابيك أفلسنا في حج؟ قال: بلى. قلت فيلزمنا ما يلزم الحاج؟ قال: من ماذا؟ قلت: من الأشياء التي يلزم الحاج. قال يلزمك حسن الصحابة لمن يصحبك و يلزمك قلة الكلام الا بخير و يلزمك كثرة ذكر الله و يلزمك نظافة الثياب و يلزمك الغسل قبل ان تأتي الحائر و يلزمك الخشوع و كثرة الصلاة و الصلاة على محمد و آل محمد، و يلزمك التوقير لآخذ ما ليس لك و يلزمك ان تغض بصرك و يلزمك ان تعود الى اهل الحاجة من اخوانك اذا رايت منقطعاً و المواساة، و يلزمك التقية التي قوام دينك بها و الورع عما نهبت عنه و الخصومة و كثرة الايمان و الجدال الذي فيه الايمان فاذا فعلت ذلك تم حجك و عمرتك و استوجبت من الذي طلبت ما عنده بنفقتك و اغترابك عن اهلك و رغبتك فيها رغبت ان تنصرف بالمغفرة و الرحمة الرضوان».

برخوردار خواهد شد و به همین دلیل به نمازگزاران سفارش شده تا جایی که امکان دارد، نمازشان را در مساجد بخوانند؛ چرا که ثواب‌های متفاوتی برایشان مقرر شده است.

حرم مقدس پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام نیز به اعتبار انتسابشان به آن بزرگواران، همین ارزش را پیدا کرده است. زائر وقتی داخل این مکان‌های مقدس می‌شود، احساس معنویت خاصی پیدا می‌کند و بیشتر دوست دارد نماز و دعا بخواند و با خدای خویش راز و نیاز کند. چه بسا انسان در این مکان‌ها، به فکر گناهانش می‌افتد و توبه می‌کند. چه زائران فراوانی که در آن محیط معنوی و نورانی به خود آمده و دگرگون شده‌اند؛ چه افرادی که اهل نماز نبودند یا در نمازشان سستی می‌کردند، اما نمازخوان شدند؛ چه کسانی که اهل فسق و فجور بودند و از کردار خود توبه کردند و چه بسا افرادی که به امامت و حتی به اصل اسلام ایمان نداشتند و در اثر جذبه‌های معنوی آن مکان‌های مقدس، به حق گرویدند؛ چنان‌که نمونه‌هایش را بسیار دیده یا شنیده‌ایم.

زیارت‌نامه‌ها

در تحقق زیارت، همین اندازه کافی است که زائر به قصد زیارت و تعظیم زیارت‌شونده، در زیارت‌گاه حضور

یابد و خواندن زیارتنامه شرط قبولی زیارت نیست. زائر می‌تواند در آن مکان مقدس نماز یا قرآن بخواند و ثوابش را به روح زیارت‌شونده اهدا کند. او می‌تواند برای خودش و سایر مؤمنان دعا کند و در گوشه‌ای بنشیند و با خدای خویش خلوت کند.

در آداب زیارت، مطالبی در کتب ادعیه نوشته شده است که می‌توانید بدانها مراجعه کنید. در این رابطه به چند نکته مهم اشاره می‌کنیم:

نکته اول: زیارت یک عبادت است و در قبولی عبادت، قصد قربت و جلب رضای خدای متعال، شرط لازم است. اگر زائر به منظور عرض حاجت و امید به حل مشکلات زندگی به زیارت می‌رود، باید توجه داشته باشد که به هر حال، کلید حل مشکلات در اختیار خدای سبحان است و از توسل به امام علی یا پیامبر ﷺ، جز واسطه‌گری و شفاعت، کاری ساخته نیست و در نهایت، حل همه مشکلات در اختیار خدای قادر متعال است.

نکته دوم: ارزش زیارت زائران، به مقدار شناخت و معرفتی است که نسبت به زیارت‌شونده دارند و از این جهت، زائران بسیار متفاوت‌اند. بنابراین، زائر باید در شناخت هرچه بهتر و صحیح‌تر زیارت‌شونده‌اش تلاش کند و این همان است که در احادیث به عنوان «عارفاً بحقه» از آن یاد شده است.

نکته سوم: زیارت، یک سفر معنوی و روحانی است. زائر باید قبل از سفر و در حال سفر، همواره به این نکته توجه داشته باشد که به یک سفر معنوی و عبادی و به دیدار امامی می‌رود که بر ظاهر و باطن او آگاه است.

توجه به معانی زیارتنامه‌ها

زیارتنامه‌خوانی نوعی گفت‌وگو با شخص زیارت‌شونده است. بنابراین، زائر باید بداند با چه کسی صحبت می‌کند و چه می‌گوید و از او چه انتظاری دارد و خواسته‌هایش بر طبق ضوابط اسلامی، صحیح است یا نه؟ اگر زیارتنامه را به زبان عربی می‌خواند باید در معانی آن نیز دقت و توجه داشته باشد. خواندن یک زیارتنامه کوتاه با حضور قلب و توجه به معانی آن، بر خواندن یک زیارتنامه طولانی و بدون توجه به معانی، ترجیح دارد و آموزنده‌تر است.

در زیارت امام حسین علیه السلام می‌خوانیم:

يا ابا عبدالله اشهد انك تشهد مقامي و تسمع كلامي و
انك حي عند ربك ترزق فاسأل ربك و ربّي في قضاء
حوائجي.^۱

ای ابا عبدالله! شهادت می‌دهم که تو جایگاه مرا
مشاهده می‌کنی و کلام مرا می‌شنوی و نزد
پروردگارت زنده هستی و از آن مقام عالی، روزی

۱. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، ص ۷۳۵.

می گیری. از پروردگارت و پروردگار من در برآورده شدن حاجتم، تقاضا کن.

در زیارت امیرالمؤمنین علیؑ نیز می خوانیم:

اللهم اني عبدك و زائرک متقرباً اليك بزيارة اخي رسولك و على كل مأتي و مزور حق لمن اتاه و زاره و انت خير مأتي و اكرم مزور فاسئلك يا الله يا رحمن و... ان تصلي على محمد و آل محمد و ان تجعل تحفتك اياي من زيارة أخى رسولك فكأك رغبتى من النار و ان تجعلني ممن يسارع في الخيرات و يدعوك رغباً و رهباً و تجعلني من الخاشعين^۱.

خدایا! من بنده تو و زائر تو هستم. به منظور تقرب به تو، به زیارت برادر رسالت (علی) آمده‌ام و هر زائری حقى بر زیارت شونده‌اش دارد و تو بهترین زیارت شونده هستی. خدایا! از تو تقاضا دارم که بر محمد و آل محمد درود بفرستی و تحفه مرا در زیارت برادر رسالت، آزادیم از آتش دوزخ قرار بدهی و مرا از جمله کسانی قرار دهی که در انجام کارهای خیر، پیش قدم باشند و از روی رغبت و ترس، تو را بخوانند و مرا از جمله خاشعین قرار دهی.

در زیارت امام حسین علیه السلام به چند نکته مهم اشاره شده است:

۱. اقرار زائر به اینکه امام حسین علیه السلام در عالم برزخ، زنده است و زائر خود را مشاهده می‌کند و کلامش را می‌شنود؛

۲. زائر از امام علیه السلام تقاضا می‌کند که برآورده شدن حاجاتش را از خدا بخواهد و در این جهت، خدا را همه کاره می‌داند.

در زیارتنامه حضرت علی علیه السلام نیز به چند نکته مهم و آموزنده اشاره شده است:

۱. زائر، خودش را بنده خدا و زائر او معرفی می‌کند؛
۲. زائر، هدف از زیارتش را تقرب به خدا بیان می‌کند؛
۳. ادای حق زائر نیز بر عهده خداست؛
۴. زائر، پاداش خود از این زیارت را این موارد می‌داند: «درود خدا بر پیامبر صلی الله علیه و آله، آزادی از عذاب دوزخ، توفیق بر انجام کارهای خیر و تقاضای توفیق به اینکه از خاشعان در برابر خدا باشد».

با توجه به نکات پیش‌گفته، روشن شد که محتوای زیارتنامه‌ها، اموری مهم و آموزنده است و زائر باید به آنها توجه و عنایت داشته باشد و خواندن زیارتنامه‌ها بدون توجه به معانی آنها، کار درستی نیست و توقع ثواب‌های مقرر بر چنین زیارت‌هایی، انتظاری بی‌جاست.

عمل امام به احکام در زیارتنامه‌ها

یکی از موضوع‌های مهمی که در زیارتنامه‌ها آمده است، شهادت زائر به این مطلب است که امام، نسبت به انجام وظایف دینی، ملتزم و جدی بوده و دشواری آنها را تحمل می‌کرده است، برای نمونه در زیارت امام حسین علیه السلام آمده است:

السلام عليك يا مولاي يا ابا عبدالله ورحمة الله و
برکاته. اشهد انك قد اقامت الصلاة و آتيت الزکوة و
امرت بالمعروف و نهيت عن المنکر و تلوت الكتاب
حق تلاوته و جاهدت في الله حق جهاده و صبرت
الاذى في جنبه محتسباً حتى اتاك اليقين... اتيتك يا
مولاي يابن رسول الله، عارفاً بحقك موالياً لا وليائك
معادياً لا أعدائك و مستبصراً بالهدى الذي انت عليه،
عارفاً بضلالة من خالفك، فاشفع لي عند ربك.^۱

سلام بر تو ای مولای من، ای ابا عبدالله؛ رحمت و
برکات خدا بر تو باد. شهادت می‌دهم که تو نماز را
برپا داشتی و زکات اموالت را پرداخت کردی؛ امر
به معروف و نهی از منکر نمودی؛ کتاب خدا را
همان‌گونه که باید و شاید، قرائت کردی و در راه
حق به طور شایسته جهاد کردی و در راه خدا و

۱. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، ص ۶۱۲.

برای انجام وظیفه، آزار و اذیت‌ها را تحمل نمودی...
 (تا اینکه می‌گویی) به سوی تو آمدم ای مولای من
 یابن رسول الله! در حالی که زائر تو و عارف به
 حقت هستم. با دوستان تو دوست و با دشمنان
 دشمن هستم. به هدایتی که تو پیشوای آن هستی،
 بصیرت یافتم و به گمراهی مخالفان آگاهم. پس
 نزد پروردگارت از من شفاعت کن.

خواننده محترم توجه دارد که امور مذکور در این
 زیارتنامه، از جمله احکام مهم اسلامی است که زائر
 شهادت می‌دهد که امام حسین علیه السلام، آنها را به بهترین شکل،
 در حدی که به مقام یقین رسیده، انجام داده است. زائر در
 پایان این سخن به امام عرض می‌کند: «یابن رسول الله! من
 به زیارت تو آمده‌ام؛ در حالی که به حق تو آگاهم؛ با
 دشمنان دشمن و با دوستان دوست هستم. راه تو را
 شناخته‌ام [و از آن پیروی می‌کنم] و به گمراهی مخالفان
 ایمان دارم». در پایان این سخن به امام عرض می‌کند:
 «پس نزد پروردگارت از من شفاعت کن». اگر زیارت زائر
 این چنین بود، می‌تواند به ثواب‌های مقرر امیدوار باشد.

نکته دیگری که از این زیارتنامه برداشت می‌شود این
 است که زائر از روی بصیرت، شهادت می‌دهد که امام
 حسین علیه السلام به بهترین شکل به وظایف خود عمل کرده و او
 را به عنوان امام واجب‌الاطاعه قبول دارد. در این حال،

زائر با خود می‌گوید، پس من نیز باید نسبت به انجام این وظایف و دیگر وظایف اسلامی ملتزم باشم تا از پیروان راستین امام علی (ع) بوده و رستگار شوم. به همین دلیل می‌توان گفت، توجه به محتوای زیارتنامه‌ها لازم است؛ چراکه جنبه آموزشی دارند؛ مانند همین مطلب در زیارتنامه امیرالمؤمنین (ع) در روز عید غدیر آمده است. در فرازی کوتاه از آن، چنین می‌گوییم:

السلام عليك يا امير المؤمنين عبدت الله مخلصاً و
جاهدت في الله صابراً و جدت بنفسك محتسباً و عملت
بكتابه و اتبعت سنة نبيه و اقامت الصلاة و آتيت الزكاة
و امرت بالمعروف و نهيت عن المنكر ما استطعت
مبتغياً ما عند الله راغباً فيما وعد الله لا تحفل بالنوائب و
لا تنهن عند الشدائد.^۱

سلام بر تو ای امیرمومنان! که با اخلاص کامل، خدا را اطاعت کردی و در راه خدا جهاد کردی. در فرمانبرداری از خدا، جان خود را فدا ساختی، به کتاب خدا عمل کردی و از سنت پیامبر ﷺ پیروی نمودی؛ نماز را بر پا داشتی و زکات را ادا نمودی؛ در حد قدرت امر به معروف و نهی از منکر کردی، وظایف بندگی را با شوق و امید به وعده‌های خدا

انجام دادی، از سختی‌ها باک نداشتی و در حوادث

دشوار، سستی به خرج ندادی.

زائر در این زیارتنامه، پس از سلام به امیرمؤمنان علی (علیه السلام)، به اخلاص آن حضرت در عبادت خدا، جهاد در راه خدا، عمل به کتاب خدا و سنت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) اقامه نماز، ادای زکات و سعی در امر به معروف و نهی از منکر، شهادت می‌دهد. اکنون این سؤال مطرح می‌شود که هدف زائر از این شهادت‌ها چیست؟ آیا می‌خواهد بگوید، تو این‌گونه بودی تا من بیایم به زیارت تو و ثواب ببرم؟! این احتمال بعید به نظر می‌آید. بی‌گمان می‌توان گفت، منظور این است که زائر بگوید، من شهادت می‌دهم که تو در عمل به احکام دین و عبادت پروردگار جهان، این‌گونه جدی بودی. اکنون من به زیارت تو آمده‌ام تا بگویم تو امام و پیشوای من هستی و باید در عمل، مانند تو باشم. اگر در عمل کوتاهی کرده‌ام، اکنون از کردارم پشیمانم و توبه می‌کنم و قصورات و تقصیراتم را جبران خواهم کرد.

آنچه گفته شد، نمونه‌ای بود از زیارتنامه‌ها که در بیشتر آنها، این قبیل مطالب وجود دارد و می‌توان از آنها استفاده کرد. بنابراین، زیارت رفتن و زیارتنامه خواندن، نوعی عبادت محسوب می‌شود و جنبه بازگشت بنده به سوی خدا، خودسازی و تزکیه و تهذیب نفس دارد.

زیارتنامه‌ها از جهت سند

با توجه به اینکه زیارت و زیارتنامه خواندن، از عبادات به شمار می‌آید، باید مشروعیت آن از طریق احادیث صحیح به ما رسیده باشد. آیا زیارتنامه‌ها این چنین هستند. در پاسخ، به چند مطلب اشاره می‌کنیم:

مطلب اول: در مشروعیت اصلی زیارت به عنوان یک عبادت مستحب، نباید تردید کرد؛ چون در این رابطه احادیث فراوانی داریم که متواتر معنوی و قطعی هستند؛ چنان‌که پیش از این به برخی از آنها اشاره شد.

مطلب دوم: زائر به قصد تعظیم در آن مکان مقدس حضور می‌یابد و عرض ادب می‌کند و می‌تواند زیارتنامه بخواند یا اعمال دیگری را که پیش از این بدانها اشاره شد، انجام دهد.

مطلب سوم: زائر اگر خواست زیارتنامه بخواند، سعی کند زیارتنامه‌هایی را بخواند که با اسناد معتبر و صحیح شرعی نقل شده باشند؛ چنان‌که بعضی زیارتنامه‌ها این چنین هستند. در این رابطه می‌توان از کتاب‌های ادعیه معتبر استفاده کرد.

مطلب چهارم: بعضی زیارتنامه‌ها یا به طور مرسل نقل شده‌اند یا در بین راویان آنها، افراد مجهول یا ضعیف و غیر مؤثق دیده می‌شود. در این موارد، علما به قاعده «تسامح در ادله سنن» تمسک نموده و گفته‌اند، زائر

می‌تواند به قصد رجاء و امید به ثواب، آنها را بخواند. مطلب پنجم: مطلب پیش گفته صحیح است، مگر در مواردی که در متن زیارتنامه مطالبی مربوط به اصول عقاید، مانند خداشناسی، معاد، نبوت و امامت وجود داشته باشد و بخواهیم به آنها استناد کنیم. در چنین مواردی باید حتماً صحت اسناد آنها به اثبات رسیده باشد. نکته دیگر اینکه در متن زیارتنامه‌ها، می‌توانیم از کتب ادعیه معتبر مانند «مفاتیح الجنان» استفاده کنیم.

زیارتگاه‌های مورد احترام شیعیان

۱. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مدینه منوره (حجاز).
۲. فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام در مدینه منوره.
۳. علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام در نجف اشرف (عراق).
۴. امام حسن مجتبی عَلَيْهِ السَّلَام در مدینه منوره.
۵. امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام در کربلا (عراق).
۶. علی بن الحسین امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام در مدینه منوره.
۷. امام محمد باقر عَلَيْهِ السَّلَام در مدینه منوره.
۸. امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَام در مدینه منوره.
۹. موسی بن جعفر عَلَيْهِ السَّلَام در کاظمین (عراق).
۱۰. امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام در مشهد مقدس (ایران).
۱۱. امام جواد عَلَيْهِ السَّلَام در کاظمین (عراق).
۱۲. امام علی النقی عَلَيْهِ السَّلَام در سامراء (عراق).

۱۳. امام حسن عسکری علیه السلام در سامراء.

۱۴. امام زمان علیه السلام در قلب و نظر شیعیان و همه منتظران ظهور.

هر یک از اینها زیارتگاه و زیارتنامه‌هایی دارند که در کتب ادعیه، مانند مفاتیح الجنان نوشته شده است.

زیارت امامزاده‌ها

امامزاده به شخصی گفته می‌شود که بی‌واسطه یا باواسطه، با یکی از امامان معصوم نسبت دارد. سید نیز امامزاده، نامیده می‌شود که تعداد آنها بسیار زیاد است و در کشورهای مختلف، به ویژه ایران، افغانستان، عراق، سوریه، مصر و حجاز پراکنده‌اند.

از آنجایی که این افراد، منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام و از اولاد حضرت زهرا علیها السلام بوده‌اند، شیعیان در زمان حیاتشان به آنان احترام می‌گزارند و بعد از مرگ نیز به زیارت قبر آنها می‌رفتند و به منظور احترام به آنها، برای برخی از آنها قبه و بارگاه می‌ساختند و چه بسا برایشان نذرو نیاز می‌کردند.

احترام به سادات صالح و صحیح النسب در زمان حیاتشان و بعد از مرگشان، در واقع احترام به پیامبر صلی الله علیه و آله و تبعیت از فرمان خدا در آیه مودت ذی‌القربی است. در قرآن می‌فرماید: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي

الْقُرْبَى»؛ «ای پیامبر! به مردم بگو: من برای رسالتم از شما مزدی نمی‌خواهم جز دوستاری خویشاوندانم». (شوری: ۲۳)
البته این حکم، به ساداتی که صالح و دیندار بوده‌اند، اختصاص دارد.

بی‌شک همه سادات دیندار و صالح، از این امتیاز برخوردارند. ولی افرادی از آنان که در دینداری و ترویج و گسترش و خدمت به اسلام و مسلمانان، کوشش کرده‌اند، از ارزش بیشتری برخوردار هستند و مسلمانان وظیفه دارند نسبت به ادای احترام به آنان، عنایت داشته باشند؛ به ویژه به شهدای آنان.

در بین امامزادگان به چند شخصیت مهم اشاره می‌شود:

یکی از آنان و در رأس همه حضرت عباس علیه السلام، فرزند امام علی علیه السلام و برادر امام حسین علیه السلام است. نقش او در حادثه کربلا و فداکاری‌هایش روشن است و به همین دلیل بر زیارت ایشان تأکید شده است؛

دومین امامزاده ممتاز، حضرت علی اکبر علیه السلام، فرزند امام حسین علیه السلام است که در حادثه کربلا به شهادت رسید و در کنار مرقد امام حسین علیه السلام زیارت می‌شود.

سومین امامزاده ممتاز را می‌توان حضرت معصومه علیه السلام معرفی کرد که فرزند بی‌واسطه حضرت موسی بن جعفر و خواهر امام رضا علیه السلام است و در شهر قم، قبه و بارگاهی

دارد و امامان بر زیارتش تأکید داشته‌اند؛ چنان‌که در کتاب «سفینه البحار» آمده و می‌توانید آن را مطالعه کنید.^۱

چهارمین امامزاده معتبر و ممتاز، حضرت عبدالعظیم حسنی است که در شهر ری مدفون است و حرم و قبه بزرگی دارد و در آنجا زیارت می‌شود. او از فرزندان باواسطه امام حسن مجتبیٰ علیه السلام و از سادات و علمای بزرگ بود. وی از راویان احادیث و خدمتگزاران مکتب تشیع بود و از امامان معصومین علیهم السلام حمایت می‌کرد و به نقل احادیث آنان عنایت داشت. او عقاید خود را بر امام هادی علیه السلام عرضه داشت و مورد تأیید قرار گرفت و امام علیه السلام درباره‌اش فرمود: «انت ولینا حقاً».^۲ به زیارت قبر ایشان نیز سفارش شده است.^۳

آنچه بدان اشاره شد، در رابطه با برخی امامزادگان معروف و ممتاز بود. البته امامزادگان فراوان دیگری نیز داریم؛ مانند حضرت زینب علیها السلام در شام، و حضرت احمدبن موسی علیه السلام شاه چراغ در شیراز و امامزادگان دیگر در همه بلاد که ذکر آنها و شرح حالشان در اینجا ضرورت ندارد. آنچه باید در اینجا به آن اشاره کنم، دو مطلب است:

۱. رک: سفینه البحار، ج ۷، ص ۱۲۴.

۲. بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۶۸.

۳. همان، ج ۶، ص ۳۰.

یک: زیارت اینان به عنوان احترام پیامبر ﷺ و امامان معصومین و اظهار مودت نسبت به ذی القربی، امری مطلوب است.

دو: زیارتنامه‌هایی که برای آنان خوانده می‌شود، غالباً چندان سند معتبری ندارد. اگر سند معتبری داشتند، می‌توانید از آنها استفاده کنید؛ وگرنه در چنین مواردی، اصل حضور در زیارتگاه‌ها امری مطلوب است و می‌توانید در آنجا نماز یا قرآن بخوانید و ثوابش را به روح آن بزرگواران اهدا نمایید.

کتابنامه

۱. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۲. سفینه البحار، شیخ عباس قمی، دارالاسوه، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۳. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ هـ.ق.
۴. کامل الزیاره، ابن قولویه، نجف اشرف، دار المرتضویه، ۱۳۵۶ هـ.ش.
۵. مستدرک الوسائل، میرزای نوری، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۶. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی.
۷. میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۷ هـ.ش.
۸. وسائل الشیعه، محمد بن حسن حر عاملی، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ هـ.ق.